

عنایاتِ رحمانی
(فی الحالِ روحانی)

نایابِ طبیبی کتب کا ذخیرہ

ہمارے پاس برائے فروخت موجود ہے جس میں نادرِ طبیبی کتب
مطبوعہ و قلمی کے علاوہ علمِ کیمیا، کشتہ سازی، رمل، نجوم، جفر، کیرل
پامتری، قیافہ، طلسمات، نیرنجات، علم الجواہر، قیمتی کتب شامل ہیں
قلمی طبیبی بیاضوں کا ایک قابلِ قدر ذخیرہ بھی موجود ہے یہ تمام کتب
فوٹو سٹیٹ مجلد کتابی صورت میں موجود ہیں



بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

دعا و نور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي دَعَا بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي وَ
وَلَدِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا آتَاكَ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا شَرِكَ بِكَ شَيْئًا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ
أَعَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجَلَّ مَا خَافَ وَأَخْجَمَ
عَمَّا جَاءَكَ وَجَلَّ شَأْنُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ
أَلْحَمَّ رَأْفَتِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ
شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ أَعْلَمُ بِدَعَا مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ
عَشِيدٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
إِنْ وَلِيْتِ وَلِيْتِ اللَّهُ الَّذِي شَرَّكَ الْقَتْلَ وَالْ
هُوَ يَتَوَكَّلُ الْعَالَمِينَ

اَللّٰهُمَّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وغيرہ بخواند

يَفْتَحْ غُغْ غُغْ رَرْ رَرْ ف
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ أَفْقَلْ صَلَوَاتِكَ
 لِبَدِّ مَوْلَانَا وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ صَفْوَةَ كَرَمِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَاخِلًا رَدِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ بِحَقِّ
 يَاجُجِرَائِيلَ بَنِي يَاجُجِرَائِيلَ بَنِي يَاجُجِرَائِيلَ
 بَنِي يَاسِرَافِيلَ أَحْفَظْهُ وَقَلِّبْ لِحَقِّهِ
 كَتَبْتَ الْمَخْلُوقَاتِ الْمُسْتَحْشَاتِ
 بِحَقِّ يَاجُجِرَائِيلَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا خَفِيَ اللَّفْ أَدْلَانِي بِطَفْ أَنْفَسِي وَصَلَّى اللَّهُ
 عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي مُشَاقٌّ إِلَيْكَ
 يَا خَلِّ اللَّهُ يَا خَلِّفَةُ اللَّهِ أَجِبْ
 أَيْ تَسْأَلُهُ بِمَعْنَى كَرِّ لَيْسَ جَمْعُ ل ل ل رُبُّهُ هُوَ أَيْ
 بَدِّلْ بَعْدَ لَيْسَ كَيْسَ كَلَامُ نِي سَوْجَانِي
 بَارِزَتِ حَفَرَتِ خُورَجِ خَدَمِ فَرِيدِ الرَّبِّ مَا
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 بِجَلِيَّاتِ ذَاتِكَ وَتَعْنِيَّاتِ صِفَاتِكَ
 اَللّٰهُمَّ اَعِزِّدْ اَزْمَانِي وَتَوَكَّلْ لِعِزِّ اَحْسَرَانِي

درد السراغ
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 اَلَا يَ الْخَاطِرُ الزَّرِّيَّ وَعَلَى آلِهِ وَآلِهِ
 صَلَوَةُ تَحْمِلُ بِهَا الْعَقْدُ وَتَقْطَعُ بِهَا الْكُرْبُ
 وَتَقْضِي بِهَا الْآلَامَ وَتَلْوِيْنُ لَكَ
 فَيَسِّرْ لِيْ وَلِحَقِّهِ اَدَاةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اَللّٰهُمَّ اَعِزِّدْ اَزْمَانِي وَتَوَكَّلْ لِعِزِّ اَحْسَرَانِي
 اَلَا يَ الْخَاطِرُ الزَّرِّيَّ وَعَلَى آلِهِ وَآلِهِ
 صَلَوَةُ تَحْمِلُ بِهَا الْعَقْدُ وَتَقْطَعُ بِهَا الْكُرْبُ
 وَتَقْضِي بِهَا الْآلَامَ وَتَلْوِيْنُ لَكَ
 فَيَسِّرْ لِيْ وَلِحَقِّهِ اَدَاةً

باید که سورت نزل سه مرتبه به شکر بخواند خوردن دهن محبت زیاده شود
خاصیت شش اگر کسی را خراشیده شود از پنج بار در دی را محل بخاند
باید که چون از حیف پاک شود در ده بدارد وقت افطار غسل کند
بسیست و یکبار سورت نزل بخواند لغیرمان الله تعالی فرزند
نرسیده روزی شود خاصیت شش اگر کسی قرصه اربا باشد پنج
دفعی خلدی نمی شود چهل روز در وقت خفتن ده بار بخواند الله
تعالی دام دفع بگرداند خاصیت شش اگر کسی بر میورد
سلسله نزل دارد و حیای بی اختیار وجه و ساق و لگامند
باید که ای سوره نزل را بنویسد و در افروتن دهن بر میورد
بسیست و ده دفعی شود خاصیت نهم اگر کسی را درد اندام
خاصیت دهم اگر کسی یک بار بخواند و بر اندام بمالد درد دفع شود
ده مرتبه بخواند کمالی دفع شود خاصیت یازدهم اگر کسی
روزن باشد چهل روز وقت بر آمدن آفتاب از کسی که
روزن او فراخ شود خاصیت دوازدهم اگر کسی را جاذبه
باشد سورت نزل را بخواند روز نشسته و یا بنویسد و بشوید
صاحب سحر را خوردن دید جاذبه دفع شود خاصیت سیزدهم
اگر کسی را دیو یا پری گرفته باشد سورت نزل را بنویسد
در آب بشوید صاحب آب سوراخ دید و یا بخواند دیو سوزی
دفع شود خاصیت چهاردهم اگر کسی را درد کمر و یا در دهن
باشد سورت نزل از سرتا تمام اندام او بخواند در دهن
ادفع شود خاصیت پانزدهم اگر کسی را دزدک میوخت

نمی رسد و در طیفه میبرد باید که بیاید و در میان
روشنی کند چهل گره اندازد سوره
نزل بدین گره سه بار کند که نرسد
تا چهل بار اگر هر یک مرتبه بخواند و در گلو آن بگذرد
بسیست و لغیرمان الله تعالی بدو عفت سه و عمر وی دراز گردد
خاصیت شانزدهم اگر کسی را دستپاچه و رنجاند
برای مقهور کردن دشمنان بیست و یک روز
چهل مرتبه بخواند بر گاو و گاو را زیر زمین دفن کند
از برکت سوره نزل دشمنان مقهور شوند - خاصیت هیجدهم
اگر کسی از لگامان عاجز باشد و خاک گداز کند بر آن خاک
سفت بار بخواند و سوره آن اندازد کتاب فرایب شود
خاصیت هیجدهم اگر کسی عداوت افتاده باشد بر میان سوره نزل
بنویسد پیش سینه سیاه اندازد در سردی خلدی شود
خاصیت نوزدهم اگر کسی را قیام علم نباشد هر روز
بر آب بخواند عقل تیزی زیاده شود و آن آب را بخورد
حفظ زیاده شود خاصیت بیستم اگر کسی عورت عقیقه باشد
پنج دفعی خردند که شود دهن کس روز بدارد و وقت
افطار شیر بخورد و بر شیر سفت مرتبه بخواند عقیقه را
خردن دید اگر شیر سفت شود محل بماند و اگر نه
محل نماند خاصیت بیست و یکم اگر کسی در میان
جنب در آید ای سورت نزل بخواند و در آید

برای دفع رنجت بهشت و بهشت بار بخواند سه روز و این عمل نماید
 و صحت دفع گردد - بهشت

کما کان حتی الیوم و
 فکون فی کفر من کفر الیوم و

سورت فتح سورت یس شریف برای حصول طالب این که اگر بعد
 از نصف شب نتواند میان سنت و فرض بامداد نماید
 در اول بهشت بار سورت فاتحه مکرر به التسمیه مع الفلوة علی
 رسول الله بخواند بعد تا بهین اول خواند و باز لغز
 اول شروع نموده از بهین دوم باز لغز اول شروع نماید
 و همچنین از هر بهین باز شروع لغز اول نماید تا وقت بهشت
 از فتح بهین باز شروع کند بیکه فتح سورت شریف
 نماید و بهین بهشت بهشت و بهین اول بقیام و الله
 لکشته بهشت بار خوانده تا لبش به روح مقدس
 خوش الغاث حضرت شیخ عبد القادر جیلانی
 رضی الله تعالی عنه لغز نموده با ستم در دو التمانت
 روح مقدس حصول مراد خود بخواند در هفته ماه و
 بار الله تعالی فاضل المرام خود عانا دانند فقط ۱۲۰۲
 جمع المفاصل لقرس در هر قسم در دوز کینه عجب الله و قوی الفعا
 شرفا - خیرات کند کینه یا بر یک کیم خام سم الفار کند ما ککنش منزه بهر
 بر یک کیم خام دیک میس دال را سقدر بیاور که سب اجزا جل جلاله

بسم الله الرحمن الرحیم
 طریقه خواندن فتح و احسان

الحمد شریف درود شریف سوره الم نشره سورت یس
 ۲ بار ۱۱۱ بار ۸۱ بار ۱ بار

قل شریف درود شریف یا قاضی الحاجات
 ۱۰۰ بار ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

یا کافی المجهات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات
 ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

یا شافی الامراض یا دافع البلیات یا حل المشکلات
 ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

یا خالص یا مخلص یا خدص انجمن یا غیاث المستغیثین
 ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

یا باقی انت الباق یا کافی انت الکافی
 ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

یا خیرت می الدین مشکل کشا یا خیر مشایخ الله
 یا معطی الخیرات و الحسنات
 ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

بر محمد یا ارحم الراحمین
 صلی الله علیه و آله یا رسول الله
 و السلام تحس یا مجیب الدعوات
 ۱۱۱ بار ۱۱۱ بار

سر ذات کبریا فرجه برود سرا شفیع المذنبین استیلا و هزار
آفتاب کشور و دولت شمس و ارفا
خرقه البین رسول حضرت ناحیه خاتون جنت
که تمسک کرامت

مقامه
برای دفع اعدای - در محراب رفته خوانده کنیز نره حج کاه
بنای قبر مبارک صورت نبوی علیه السلام ساخته لبه دو اکت
نماز هر چه داند از قبران بخواند لبه از آن هزار بار درود معلوم
خوانده روی عجز بر خاک نهاده یعنی در سجده بگوید -

بسم الرحمن الرحیم
الحی زنا عاجز عن الزها - الی اثرب
استغفرك المقطع علی الله علیه وسلم فخذ
الصلاة قبره بحقه و بحکم متک
ان تفرجنی عن هذه الظالم
و عمل سیف بر من قاتل الاعداء من الکبریات از مشایخ
قادریه عالیہ رحمۃ اللہ علیہم -

شایسته حضرت محبوب آسمانی
مسئله حب سبحانی - بسم الله الرحمن الرحیم
از سبیلان نورانی - مقدس قلب ربانی - علی سیرت صدیق ثانی - کی الدین جید فی
سادات عرفانی - در فرقه شریانی - احسن انسانی - کی انوار جید فی
سادات عرفانی - ولی احباب آسمانی - سرافرازی روحانی - کی الدین جید فی

۱۸
بسم الله الرحمن الرحیم
خرقه نامه حضرت بنوری شیخ داود فارغ از بودنا بود قادری شریکی کرمان
قدس البصره العزیز -
بیر سید مدح داود از دالود کید شیر شاه از دالود

مفتت دوازده ماه
بسم الله الرحمن الرحیم
ای مبارک خداوند جاد و ادب که در
احمد بیچ اندر اسم اعظمی عین
رحمت بر لوح پاکش لا تعد له از درود
اقتاب مشرودت امین شمع را
فالمه خاتون جنت فرة البین رسول
در کئی افسه حکما شفیع المذنبین
که تمسک کرامت کور حشع بوالحسن
آن کل باغ نبوت جان جان خیر النساء
مایه تحت رسالت شاه ذی القادرین شمع جان مرقی
نورانی بکر به ایت آفتاب دوا کرم باقر به الدجانی جاد و ادب
حیفر صادق کلمه باب ان شرعوا کشف سر خداوند
افتر بر ج سمات کاظم شمع
ما بتابان شریعت آل فتح المرسلین اسعی موسی رضا کن جا
جلوه مهر طریقت مقتدا علی عاقلان اس تعقیقه التقی و جاد
شاه دینی هر در تقی والد کبر عالمین اب امام رنما کون جاد
حامی دینی محمد آن امام عسکری حقه حاجت نشانی جاد

تا چه اردو را خزان فراخ اهل بیت مبدی با خزان دجانه
اشعارم روز و شب اندر قباب اهل بیت جانب از من گدازن جا
تم تمام

در بیان فرقه حضرت خورشید ثقلین شیخ عبد القادر جیلانی رحمه الله علیه
حضرت یافت
حضرت مصطفی چون یافت ارشاد علی علیه راز و نه لغز ابار
ز شیخ بجزه عجمی یافته گنج از دود و دمانی شده گنج
از سمرقند شد معروف کفری سری محرم یعنی شیخ سقوی
سری با شیخ بغدادی معاداد از دشت شیخ شمس با حق ابار
کیمی دست همه الواحه اوز از دود الفرح طوطی منور
از دود الحسین بنقاری حکایات مبارک بوسید از وی صفایات
مبارک را مبارک قطب دارین محی الدین که بود او خورشید ثقلین
رقاب ادلیا شد زیر بالانش به نسبت جمله برتر بود جانش
ز محی الدین به کیف الدین کلماته ابو نصر از بدر از ادلیا شد
از دشت کبیر صوفی بحر اسرار مطالب کبیر احمد ز دست گلزار
حکایا سیه مسود از یزد یافت هر سیه علی به مجوز کایا یافت
از دشت شاه میز از حق محمد هزد شد کبیر شمس الدین محمد
از دشت کبیر محمد ز ادلیا بود که از وی شافی عبد القادر آمد
از دشت محرم حق عبد الرزاق است از دشتان حامد بر افاق است

ز حامد با حضرت خورشید ثقلین شمس با دجانه هر یک قرین العین
از دشت شاه شامان داد که حضرت ابوالمعالی از وی آمد
متان روشن دو گانه که تکر برای سحر از آب و اجزاد دست است
است دید به رسته دید و بیان ملحق و مجاز است این است باید که
که ادل فف ااداب و شر الال نگاه دارد که گوی از ان شب
لیشب به از آرام و اسالتی و خواب غلق غسل کردن است
بخودی و دبی استعانت و معاونت دگری به سحر سوزان
تنظیم جان و خوشی و خلوة لطیف است دیگر روحانیت
حضرت سرور کائنات خدعه موجود درت علیه افضل العبادات
و اکمل التجات بر حق حاضر دالتن و ناظر تصور کردن
و طبعه جلیه آن محبوب حق رغبت تاملی عنه لقب العین
رغبت ساختن است و تصور کردن در باطن هر در شمس
را که از دلی ملحق و مجاز شده یا مقید بر وقت خود
حاضر دالتن و از وی استمداد در حق است است پس
از ان دو گانه را بوضعی که تکر بر کرد شروع کند دو
رکعت باین عبارت تحریر کند
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْقَادِرِ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ الْكَلْبِيِّ
بُخَارِيٍّ دُرِّ رُكْعَتِ ادل بعد فاتحه

قل یا ایها الکافرون یا زده کمره و در رخت درم
سورت اخلاص یا زده بار بخواند پس از سیدم
نماز نشسته و فارغ شده یا زده بار بخواند
الحکم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلیم بعد
کل معلوم که لبه یا زده بار تمام آن سرور
کائنات بدین عبارت گوید یا رسول الله صلی الله
علیه و سلم آغوشی دلش از آن یا زده بار گوید
الحی بجزمت غوث الثقلین محی الدین ابو محمد
سید عبدالقادر الحسینی الحسینی الجیلانی
قدس الله سره العزیز اقصی حاجته یا
قاصی الحاجات آمین پس از آن در سجده
رود سه بار این دعا بخواند اَللّهُمَّ لَكَ الْعِلْمُ
وَمِنْكَ الْعِلْمُ وَبِكَ الْعِلْمُ وَ اِلَيْكَ الْعِلْمُ
وَ اَنْتَ الْعِلْمُ وَ كُلُّ الْعِلْمِ لَكَ سِرّاً سَجده
بر آورده جانب عراق یا زده قدم رفته باشد و باید
دو برابر هر قدم یکصد در از مبلغ که در قدرت دی باشد
بگذارد

پس از آن گوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ
الصلوة و السلام علیک یا حبیب الرحمنی الصلوة و السلام علیک
یا غوث القعدانی الصلوة و السلام علیک متعز و حضرت ربانی
الصلوة و السلام علیک یا نبی رسول الله الصلوة و السلام علیک
یا دارث رسول الله الصلوة و السلام علیک یا نار الله الموقدة
الصلوة و السلام علیک یا کیف الله و الصلوة و السلام
علیک یا قوس الله الصلوة و السلام علیک یا
شیخ الحین لا اله الا انت و الصلوة و السلام علیک
یا شیخ السموات و الارضین شیخ محی الدین ابو محمد سید
القادر رضی الله تعالی عنکم خیر اک الله تعالی
خیراً یا زده رت القیامت و در زده بار
آغوشی گوید و گوید که بشه درین گاه جز و حیران است
و اما آن هم بگوید پس از آن طایفه مستحضر باشد عرفی
حال خود میگردد یا شد که و یا بر قد شریف استاد
عرض حال خود میکنند پس از آن در دو سورت فاتح
یک بار و آیت الکرسی سه رت و سورت اخلاص یا زده
بار بخواند و باز تدرار سه علیه خود را بگوید و هر
نوبان تدرار کند پس از آن تهنیتی بپوشد

در بطنی که بر سر قدم گذاشته بود آن را بجز متبرداشته
 بر جای نماز آمده صد بار زده روزه بگویند یا عیبه الله
 آغیث یا ذی الله یا شیخ عبدالقادر جیلانی
 رضی الله تعالی عنہ حاجت او منققی شود از
 بدی مذکور طعام نفیس منجیه مردم از بل صلاج را
 بخواند - فقلو -
 برای کفایت مهمات هر روز هزار مرتبه بخواند از
 نتواند صد بار و الله یازده بار بخواند -

بسم الله الرحمن الرحیم
 ای بجز متکلمه می الدین شیخ عبدالقادر جیلانی

- | | | |
|---|--------------|---|
| » | مخدوم | » |
| » | مولانا | » |
| » | سلطان | » |
| » | مرشد | » |
| » | شاه | » |
| » | قلب الربانی | » |
| » | بسلیم | » |
| » | در ویش | » |
| » | نحوه الدوران | » |
| » | شاه شایان | » |

ای بجز مت ای نامهای حاجت بگویند و او را گدانی
 بایه که لغو و بیار یازده عدد از هر قسم که در قدرت وی باشد
 بزود بر فو حق حضرت قبول کند

بسم الله الرحمن الرحیم
 اعتصم بالله العلی العظیم - یا قایم سه بار بخواند
 یا رب ۲۱ بار بخواند لا حول الا بالله العلی العظیم
 لا اله الا انت سبحانک انی کنت ضالین
 القالمین یا خفیض ۳ بار بخواند
 مرییدی لا تخف الله کافی
 عظمای رفعة نلت المنای

۱۰ بار بخواند لطف گوشه غروب و شمال کرده سر بر سر
 رسال در مردان انداخته پیش از نماز صبح قبل از صبح
 صادق بخواند استغفرم الله العظیم الذی لا اله الا هو الحمی القیوم - ۲۱ بار بخواند تا یازده
 روز روزه است بعد از آن روز بر در تا شرف اید - در
 چهل روزه تا که تکلف بعد از آن هر روز که توفیق باشد
 بخواند - و اول روز را از شیرینی خام بدست بچم -
 تقسیم کند و حق فایده نلینم -

طریق فتح خفوات خواجہ گمان عالیشان

سورۃ فاتحہ درود شریف الم نشرح سورہ اخلاص
 سہفت بار ۲۰ صد بار ۸۱ بار ہزار بار
 سورہ فاتحہ درود شریف یا قاضی الحاجات یا مافی السماوات
 ۷ بار ۱۰۰ صد بار ۱۰۰۰ صد بار
 یا دافع البلیات یا حلال المشکلات یا منی من الافات
 صد بار صد بار
 یا رافع الدرجات یا شافی الامراض یا منزل البرکات
 صد بار صد بار
 یا مجیب الدعوات یا بدیع العجایب کمل علینا بالخیر
 صد بار صد بار
 سہل فہل یا الہی کل صعب بحرمۃ کید الذہار
 صد بار

برجہت یا ارحم الراحمین

نشرت طہت ارحمت شاہ اسری - خشت کبہ جو کہ بالکل کل گئی سو
 بقدر ۶ ماشہ ربک کلمہ میں پانی میں خوب لھول کر لے لے دو - دوش
 سان بینہ اطہرا - جسے چھ مرتبہ پڑھا کرے وہ بیمار ہو کر جاتے ہوں مجرب ہے
 سورہ فاتحہ ۱۰۰ بار پڑھا کرے وہ بیمار ہو کر جاتے ہوں مجرب ہے
 سورہ فاتحہ ۱۰۰ بار پڑھا کرے وہ بیمار ہو کر جاتے ہوں مجرب ہے
 سورہ فاتحہ ۱۰۰ بار پڑھا کرے وہ بیمار ہو کر جاتے ہوں مجرب ہے

انا خاکی الذین کثیرہ لہم ارحم الراحمین
 استغفر لکل ذنوبک و ارحم الراحمین
 بر حالت میں پڑھا کرے وہ بیمار ہو کر جاتے ہوں
 صلی اللہ علی سیدنا محمد و علی آلہ و اوصیائہ اجمعین
 بر حتمت یا ارحم الراحمین - بعد نماز صبح ۳۱۲ مرتبہ پڑھا کرے
 بعد نماز عشاء ۵۰ مرتبہ پڑھا کرے
 لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم - بعد نماز عصر
 تسبیح اور بعد نماز عصر دو تسبیح پڑھا کرے
 (استغفار) اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْعَظِيْمَ الرَّحِيْمَ
 بعد نماز منرب اکیسویں مرتبہ پڑھا کرے
 یہ ہے التبا عبدہ جیدہ فقیر - ہر ہر دم میرا حامی و دشمن
 اول و آخر درود شریف پانچ گیارہ گیارہ مرتبہ پڑھا کرے
 اور اس شعر پڑھا کرے یا مہربان بارہ مرادمت کی جاوے
 جب شعر پڑھا کرے پوری تہاد سے دعا مانگے
 کہ یا رب العزت جو کچھ میں نے پڑھا ہے اس کی میں تیری ذات
 کی شہادت کی کہ حضرت بیان شاہ نویدنا علی جیدہ تیری ذات
 کا ملک کرنا ہوں اور بعد میں یہ ہے خداوند اتی ان ذات
 پاک اور انی وحی رحیمی و رحیمی ستاری خفای
 کی شان یواسطی اور صدقہ

رسول مقبول صلی علیہ وسلم کے اور کبریا کی بیسی تکیا پاک و جبار بار
اور اپنے مقبول بندگان کیوں سے اور اس سے حضرت خورشید الانوار
اور شہیدان دینا گئے شخص علیہ الرحمۃ کے اور کبریا کی
عظام - شہداء صلی علیہ وسلم کے امت
خاصی حضرت محمد الرسول الہی رحمہ فرمایا اور مجھے اللہ
جستہ رود - روسیہ - خطاوار گنہ گار بنا لیا کے حال
پر بھی رحم فرمایا اور مقصد براری فرمایا اور آخرت
شعربارے اور دعا فتح کرے

یہ پیران عظام و خاصان حق
مجھے جام الفت سے کرم حق بحق
نہ اپنی رہے مجھ کو ہرگز خیر
نظر آوے تو ہو ہی اور سرسبز
الہی جو سلسلہ میں برید
علا کر اسے اپنی الفت کی دیر

اگر سائل حاضری حضرت داتا گنج بخش مابین کا امداد کرے
تو اس طریق سے حاضر ہو
دربار پاک میں دانی ہوئے کی طرف چشمہ کے پاس دو
خزانہ بیٹھے کر اس طرح عمل کرے : —

پہلے کچھ قرآن کی آیات جو یاد ہوں اور اگر یاد نہ ہوں تو کچھ ترجمے
پڑھیں

درد شریف ابراہیمی
سورۃ فاتحہ

سورۃ اخلاص
خذ بیدی ربنا ۱۱۱ یا حضرت شہنشاہ علی محمد، بھونری

الممدود
آیت کریمہ

یا حی یا قیوم
سورۃ فاتحہ

درد شریف ابراہیمی

ہر ایک چیز کی کج از کج گیارہ گیارہ مرتبہ پڑھے

اور بعد میں سورۃ کافرون ایک مرتبہ سورۃ اخلاص تین مرتبہ سورۃ
موزن تین ایک ایک مرتبہ سورۃ فاتحہ ایک مرتبہ اَلْہِمَّ تَاغْلُوْنِ
اور پانچ آیتیں پھر درد شریف اسے بعد انے وظیفہ
کے چارہ

الہی تو ہے وحدہ لا شریک تو ہے خالق جزو النور و علیہ
کے بن سے کوئیں دم ہیں عیان بخیا کر جیب شہر سعد
الہی تو ہے ارحم الراحمین

تو ہے ارحم الراحمین الہی خدا
وصل وسلم علی المصطفیٰ
بجھنیں فرہارہ و روح بتول
وصل علی البیت رسول

۲۹
 وصل علی چار بار بنی
 وصل دسم علی المرتضیٰ علی روح پاک شہ کریم
 وصل علی عابدہ مہ لقا علی باقر و جعفر یا صفا
 وصل علی موسیٰ کاظم امام علی ابن موسیٰ رضا
 وصل علی نوح الا علی امیر جی میں بازادہ شہید صلوات
 وہ ہیں تھی الدین ذر دبدہ دینی ہیں محبوب سبحان شہ سہولی
 وصل علی عبد رزاق پیر وہ ہیں ذر چشم شہ شکیل
 وصل علی حسین مصطفیٰ جو ہیں تھیں شان نوح الہی
 یہ ہے التاج عبد جلیل ن فقیہ
 جو ہر دم سیرا حانی و دکتہ
 بہ پیران عظام و خا حان حق تحی جام الفت کے کرتی حق
 نہ اپنی رہے کچھ و ہرگز خیر نعر آوے تو ہو ہوسر سیر
 الہی جو ہو سلسلہ میں مرید علما نرا سے اپنی الفت کی دہ
 کے بعد سبحان رب تبارک العلم تک نہ رہے
 لب میں اس تمام مقدم و حضرت سوزنا شاہ غم جیلانی
 کا ملک اسے تو اب روح ہر فتوح حضرت داتا
 گنج بخش کی نیت سے پہنچا ہے

۳۰
 اور بعد میں مذکورہ یا نہ قاعہ کی طرح دعا کا اختتام کرے
 اور سدرم کرے چپ چاب الہی آوے اگر کچھ ظاہر ہو
 یا معلوم ہو تو کسی سے نہ کہے یا رات و عالم خواب میں
 کچھ ظاہر ہو یا دکھائی پڑے یا معلوم ہو تو وہ بھی سراز
 کسی عالم کا فعل شیخ صوفی وغیرہ سے نہ کہے ہرگز نہ کہے
 تاکہ نہ ہو و نہیں تو آئندہ کیلئے رائے بند ہو جائیگا
 بسم اللہ الرحمن الرحیم
 اللہ العزیز اے یا اشرافیل یا مود فاعیل
 یا اللہ نقاب بار بخواند یا اللہ و فی اللہ بخشہ
 حصہ دوم زود ہزار بار بخواند بار دواۓ رسول کریم صلی اللہ علیہ
 وسلم بخشہ حصہ سوم نیت عشر ہزار بخواند بار دواۓ
 قطب العالم کاشف اللوح والقلم مخدوم سید جلیل الدین
 شاہ جہانیاں داد داد بخشہ حصہ چهارم نیت قفل
 ہزار بار بخواند بار دواۓ جمیع مسلمانان بخشہ تا ہمارے دین
 و دنیوی حاصل شود بعد ازیں دواۓ بخواند
 اللهم یا عالم السر و البی کا عا - انبواۓ دیا
 کاشف الغر و البی کاشف غنیہ الحمر بن
 والا ذی دافعت علی فی الحضر و السفر باب المراد
 من الدین والدنیا

بجهرت هذه الاشياء ووجهرت
 اولاد الحسن والحسين كيدنا باقر بن كيد
 عثمان بن حنبل رضي الله تعالى عنه اقضى خواجگان
 السرا والخصيات ببرهنت يا ابا محمد السراج
 اول فائده بنام ليد باقر بن سيد عثمان رضي الله تعالى عنه بخنده
 چون خوابی که حضرت رسول مقبول صلی الله علیه وسلم را یاد کرده
 از مشغولیت در خواب پیشی که خبر دید از التفات که در شش باشد
 و در تمام کن و لباس طاهر بپوشد بخوان و الحمد لله
 و المیل سغت بار و سوره اخلاص سغت بار و سوره
 اللهم ارنی فی منای محمد ادا جعل لی من امری فرجا
 و منخرجا و ارنی فی منای ما التبتل به علی اجاته
 در اول شب یا دوم تا سغتم و این از اسرار مخرجه است

بجهرت بنامی - بقرت یوسف ثانی - بخت شاه مردانی - محی الدین جیدینی
 زنده منور سبانی - بنال باغ صدفانی - زنده طیار و خروانی - محی الدین جیدینی
 رفت دل و بهشتانی - لبست باقرت زردنی - در شیت فیض حقانی - محی الدین جیدینی
 محی الدین جیدینی - خلافتش میبانی - خلافتش زردانی - محی الدین جیدینی
 ملک فویش خاقانی - محی الدین جیدینی - در شیت فیض حقانی - محی الدین جیدینی
 قباختش میبانی - و کس میبانی - محی الدین جیدینی - محی الدین جیدینی
 آغشینی و آمد دینی فی قضاء حاجت یا احمد

ترتیب حد حزب البهراست
 که شروع کند اول از ماه ذی قعدة رشته جامه خوب بپارد اول قدری
 صدقه دهد بعد از در حله رود اول صد بار درود شریف وقت مجرب
 بعد از نماز غسل کند و در خلوت آید و در دروازه خلوت استاده
 سه بار اذقطنی تا لیسرا بخواند بعد بسم الله بخواند و بایست
 راست را مقبک کرده درون خلوت رود و در رکعت
 نفل تحیت وضو گذارد و در آن یکبار نجات و سه بار
 اخلاص قرائت کند بعد در رکعت صلوات اعتقاد
 گذارد و در آن نیز یکبار نجات و سه بار اخلاص در رکعت بخواند
 بعد سه سجده نهاده یا زده بار یا فتاح و سه بار افتح علی
 باب قلنی بخواند دعا کند و شب ببرد و درود گذارد و
 علی الصباح غسل کند و یکجا سه سفید نادر خفته از سر تا پا بپوشد
 وقت اشراق دو رکعت نماز گذارد و در روح حضرت شیخ
 ابوالحسن شمدانی منبری به بخشد بعد صد و یکبار درود
 بخواند و حزب البهرا شروع کند چون بده قول و لا فیه
 الا بالله رسد یا انا یا علی یا عظیم شروع کند صد و بیست
 بار بخواند و بار آخرین تمام بخواند روز دوی دوم همی طور
 عمل کند اگر سه روز حله کند تا صد و بیست بار بخواند
 کشتن بعد روز حله کند شصت بار حله بخواند
 اگر دوازده روز حله کند تا سه بار بخواند چون روز
 جمعه تمام شود صد و یکبار درود شریف بخواند

و بر روز روزه دار در شب یکناں چوبی بکشد
چوبی با دهن نموده کرده بخورد و با یک ستنی مگر
از خلوت بیرون آید بخواه حاجات ضروری رود
و نشسته بیرون آید فقط

دیر شایسته این ابرای جل المشغله و بر آمدن
حاجات دینی و دنیای از عروج ماه شب
چهارم شنبه آغاز نمایند بدین ترتیب که از نماز عشا
فارغ شده بپست و یکمرتبه اهل درود شریف منی بده
سوره اخلاص بپست و یکمرتبه بعد از آن دعا بده
نیز بپست و یکمرتبه خوانند دعا این است

بسم الله الرحمن الرحیم

یا مسهل سحر یا مسهل سحر یا مسهل سحر
یا مسهل سحر یا مسهل سحر یا مسهل سحر
یا مسهل سحر یا مسهل سحر یا مسهل سحر
یا غیاث المستغیثین اغثنی فقط

هم بعد از آن سوره اخلاص بپست و یکمرتبه درود شریف
بپست و یکمرتبه خوانند دعا کنند بعضی منوال
چهل روز انشاء الله تعالی در میان دی بجا
خوانند رسید بکثر بکثر طبع در درود شریف

بکثرت دارند و زبان را از خشک مادی و دروغ
غیبت باز دارند -

برای فراخی رزق صد بار بخواند

الحم صل علی محمد و آل محمد و صل علی المومنین
و المومنات و المسلمین و المسلمات -

ترتیب زکوة درود شریف بکثرت الحمد
از نصف ماه شعبان روزه و درود شریف و زکوة بکثرت الحمد بر آرد
به طریق که در میان خلوت غسل کند و شکر بگوید پنج دست بر
سر بندد و چادر دوبری بر سر باله و خود پیچیده و معصوم
را با روزه بشیر جانماز بقدر سه دست زیر بندد از درگاه
تحتیه الرزق بخواند و در هر اربعه سه بار درود بخواند -

بعد به نیت محبت الله بخواند یا زده بار در محل سجده کند
و خوشی و غم را باطل کند یا کل حسنه نزد خود بر مصلی دارد و
در محکم بندد تا بعد غسل بپایان خارش نشود چون یا زده
بار بخواند و فارغ شود بیرون آید و پنجس چهل و یک روز
بخواند در ایام زکوة از گشت و بازی و کسب و عیال
بهریز نماید و چون از زکوة فارغ شود خلوت
تیرای و بر فقر القسیم کند و بعد از زکوة سه بار
خوانده باشد

جمال جهان آرا را در خواب دیدم فقاوت شد
 بسم نیازم بنده (الحمد لله)

اسم پادشاه ۶۶۶۶ بار بعد از نماز عشا
 اهل باغ بار در در نماز بمجموعه سه بار سوره اخذ من
 بارگاه خواب اس که حضور را در احباب بلاء
 و ادبای کفایت و غیره که بود بخاد
 از حضرت مولوی - در وقت نفل بعد عشا
 در هر رکعت ۲۰ - ۲۰ بار آیت الکرسی
 از حضرت قلندر در هر رکعت نفل بعد عشا
 در هر رکعت هزار هزار بار سوره اخذ من
 از حضرت شومیه ۲۰ رکعت نفل بعد عشا
 در هر رکعت ۲۰۰ - ۲۰۰ مرتبه سوره ترمز
 بعد عشا و رن ۲۰ - ۲۰ مرتبه که فیکت
 برای هزار مرتبه الحیرت الکت
 از دوام خواند اثرت بیدار در کفشتن نمی آید
 از بعد از خوابیدن اسم مبارک یاد ما
 از یک هزار مرتبه آیت الکرسی بخواند
 از خلقت بی نیاز قرار می شود - در وقت
 از غیب مستر شود - فخر ابن الحیرات الدیبا

از حضرت شیخ سیف الدین میگوید: بنیاد صوفی - کید صوفی سرفراز است حضرت عطار
 با زور این که بود و خود با زور و مال

الحمد لله رب العالمین والباقیة الممتقین الصلو
 والسلام علی رسولہ محمد وآلہ واصحابہ اجمعین
 اما بعد فعندہ سلسلے من مشائخ فی الطائفة
 القادرية لا حول الا بالله تعالى علیهم اجمعین -
 الحجة بکرمة سيد الباقين لا حول الا بالتقوى فخرت
 احمد مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم
 الحجة بکرمة مفکر العالمات والنزایب حجتا
 محمد بنده الکلام والمطالب امام المشايخ
 والمطالب امیر المؤمنین و امام الا شیعین
 فخرت علی ابن ابی طالب کرم الله علیه ورحمة
 الحجة بکرمة شیخ المشايخ حضرت شیخ حسن لعلی رضی الله عنه
 عنه - الحجة بکرمة شیخ المشايخ حضرت شیخ حبیب عجمی
 رضی الله عنه الحجة بکرمة شیخ المشايخ حضرت شیخ
 داود طائی رضی الله عنه الحجة بکرمة شیخ المشايخ حضرت شیخ
 حضرت شیخ معروف کزازی رضی الله عنه الحجة بکرمة شیخ المشايخ
 بکرمة شیخ المشايخ حضرت شیخ ابوالحسن سیری
 سیف الله رضی الله عنه الحجة بکرمة

شيخ المشايخ حضرت سید العالم طائفه
 حضرت شيخ اعظم الجند كذا ادى رضي الله تعالى عنه
 الحجة بجملة من شيخ المشايخ حضرت شيخ ابى بكر
 محمد شمس رضي الله تعالى عنه - الحجة بجملة من
 شيخ المشايخ حضرت شيخ ابو الفضل بن
 عبد الواحد بن عبد البر بن رضي الله تعالى عنه
 الحجة بجملة من شيخ المشايخ حضرت شيخ ابو الفرج
 طاهر بن رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من
 شيخ المشايخ حضرت شيخ ابو الحسن بن محمد يوسف
 القسبي الهنقاري رضي الله تعالى عنه الحجة
 بجملة من شيخ المشايخ حضرت شيخ ابو سعيد
 علي المبارك المكنى رضي الله تعالى عنه
 الحجة بجملة من شيخ المشايخ قوت اباني
 محوت محمد اخي قومه مشغاني حضرت سلطان
 سيد الوحي محمد بن عبد القادر جيلاني رضي الله
 تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 حضرت شيخ عبد الوهاب بن عبد الله بن عبد الله

الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ
 مولی رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات
 حضرت شيخ احمد رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 سید السادات حضرت شيخ محمد مشهور رضي الله تعالى عنه
 الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ
 علي رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات
 حضرت شيخ كبر شاد امير رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ شمس الدين
 محمد رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 سید السادات حضرت شيخ محمد بن عبد الله بن عبد الله
 الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ
 عبد القادر بن شاذي رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ عبد الرزاق
 رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات
 حضرت شيخ حامد شاه بن محمد بن رضي الله تعالى عنه
 الحجة بجملة من شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ
 عبد القادر بن شاذي رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 شيخ المشايخ سید السادات حضرت شيخ شمس الدين
 محمد رضي الله تعالى عنه الحجة بجملة من شيخ المشايخ
 سید السادات حضرت شيخ سید عبد القادر شاه
 رضي الله تعالى عنه

عقلمند حضرت جمال الدین شاہ صاحب شریعت شریف
 بجنور معروف کتب خانہ - قفقہ - دروازہ ۱۸۱۲ - ریلوے اسٹیشن قلعہ اتر

۱۶	۱۰	۹	۳۲	۳	۵
۲	۳۵	۱۷	۱۱	۵	
۱۲	۶		۱۸	۳۶	
۳۲	۱۹	۱۳	۱	۷	۱۱
۸	۲	۳۳	۱۲	۱۵	۱۱

۱۸۱۲ دروازہ ۱۸۱۲ ریلوے اسٹیشن قلعہ اتر

۱۸۱۲ دروازہ ۱۸۱۲ ریلوے اسٹیشن قلعہ اتر

دانشگاہ فی حرازہ

۲۰۲۰ الحریں حصہ اول ددم
 محکمہ معروف - یادگار آصفیہ
 ۱۹۱۴ قیمت فی جلد
 ۱۲۲۲

عبدالحمید صاحب
 کتاب خانہ
 قلعہ اتر

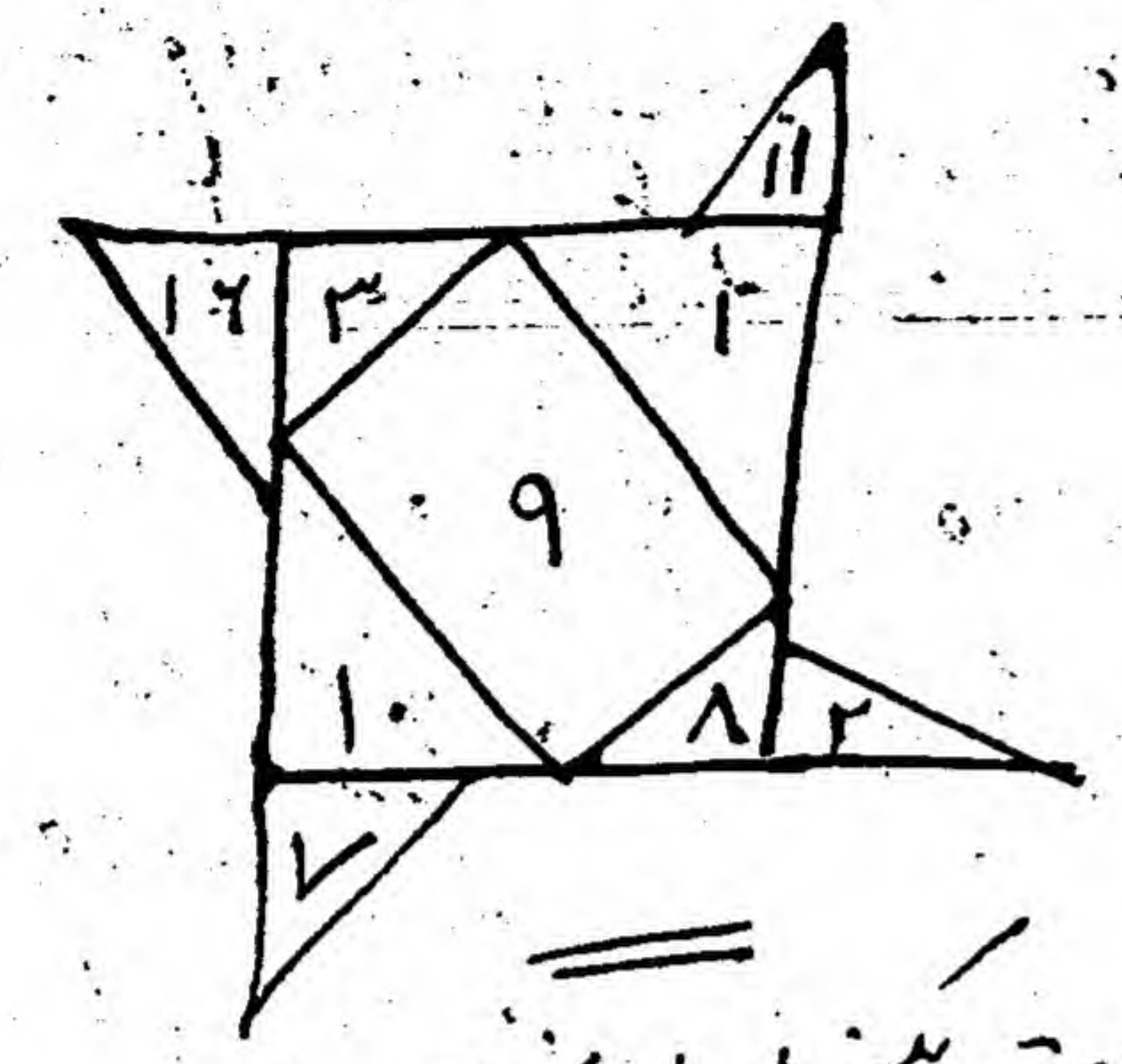
۱۴۴
 اگر ہندو مانی سے نزلہ وزام خود طبع
 ہاتھ سے شوروں شوروں سے ہانی گرم گرم ہوتا ہو
 ہلے ہانی ہند میں چربی ہند میں خون آنا شروع ہو جاتا
 ہے۔ مالوہ میں یہ مرض عام ہر اور بار میں بھی پکشت
 شوروں گرم ہانی پیسے ۱۰ - عید از ہندو ارے نشاہ
 مجرب و الیسیر -

دو پیسہ یا کم و بیش کی گولیاں کے ایک مٹی کی
 گولی میں رکھ کر اس پر آگ دو دھڑ بازہ ڈال
 دو کہ وہ گولیاں ہند اس کے کہ شہر آگ
 اس میں جذب ہو جائے اسے ایک ایک ہال
 چینی دھیرہ میں رکھ دو صبح اس کو زہ لینے
 گولی میں لمبے بھر نوشتا در پس کران گولیاں
 اور اور ارد گرد دھوڑو اور سے منہ روئے
 گولیاں سے چینی دھیرہ بند کر کے ایک
 گولیاں کر گولی و اس میں رکھ دو

تیر کعبه قاجار نمودن حبت
 بسیار دخت بکدام دوازده توری سازد
 و بکدام بخشیری در دوازده و آب بدنی کشیده
 پنج لایه باشد و بر سر سیمان بخشیری که در میان
 توری حبت است چوبه به بد تا که تمام آب بدنی
 صرف شود حبت قاجار گردد و در ده بیهان میشود
 تیر کعبه قمری - بیارند بکعبه کعبه که شب آثار
 بود تا باشد و بکدام سیماب و کعبه مغزی را فرشت
 لحاف است سیماب مذکوره کرده در زمین اوزار
 و بر سر کعبه آفتاب و - اندازند که سه دست
 از کعبه بلند شود و آفتاب افرازند و سر کرده
 به دارند زیست مذکور مانند حجر بسته شده باشد
 و اگر بر فلکی طرح نمایند به هر صد و دصد
 سه صد و پنج بر دوازده بر مس طرح نمایند
 عین عمل دارد -

و درخی آمله سار آب کنه با و کعبه

دستره به کسر بدو حبت بر روضه حضرت غوث الاعظم رضی الله تعالی
 عنه که بخاصیت مشهور است همین است

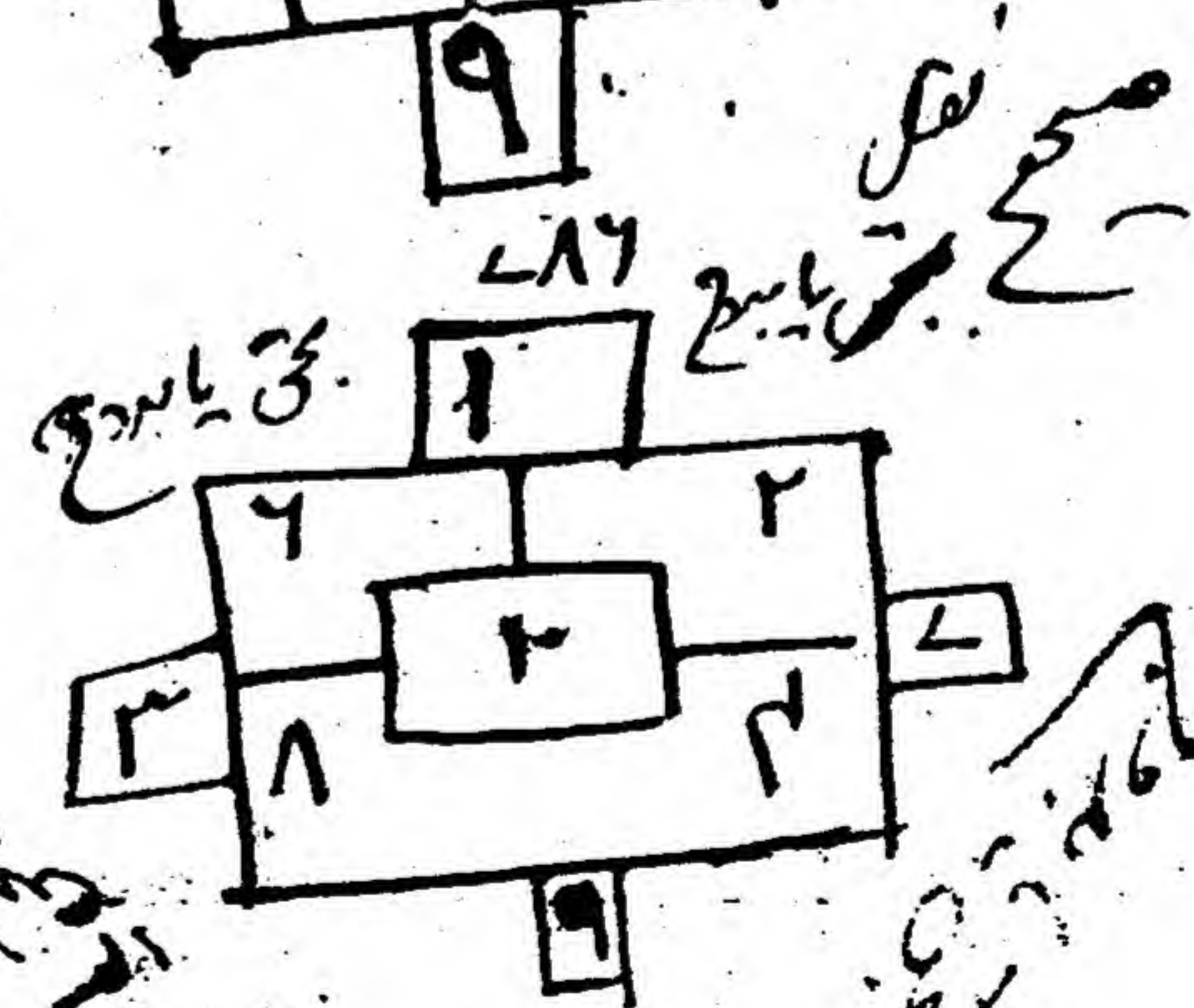
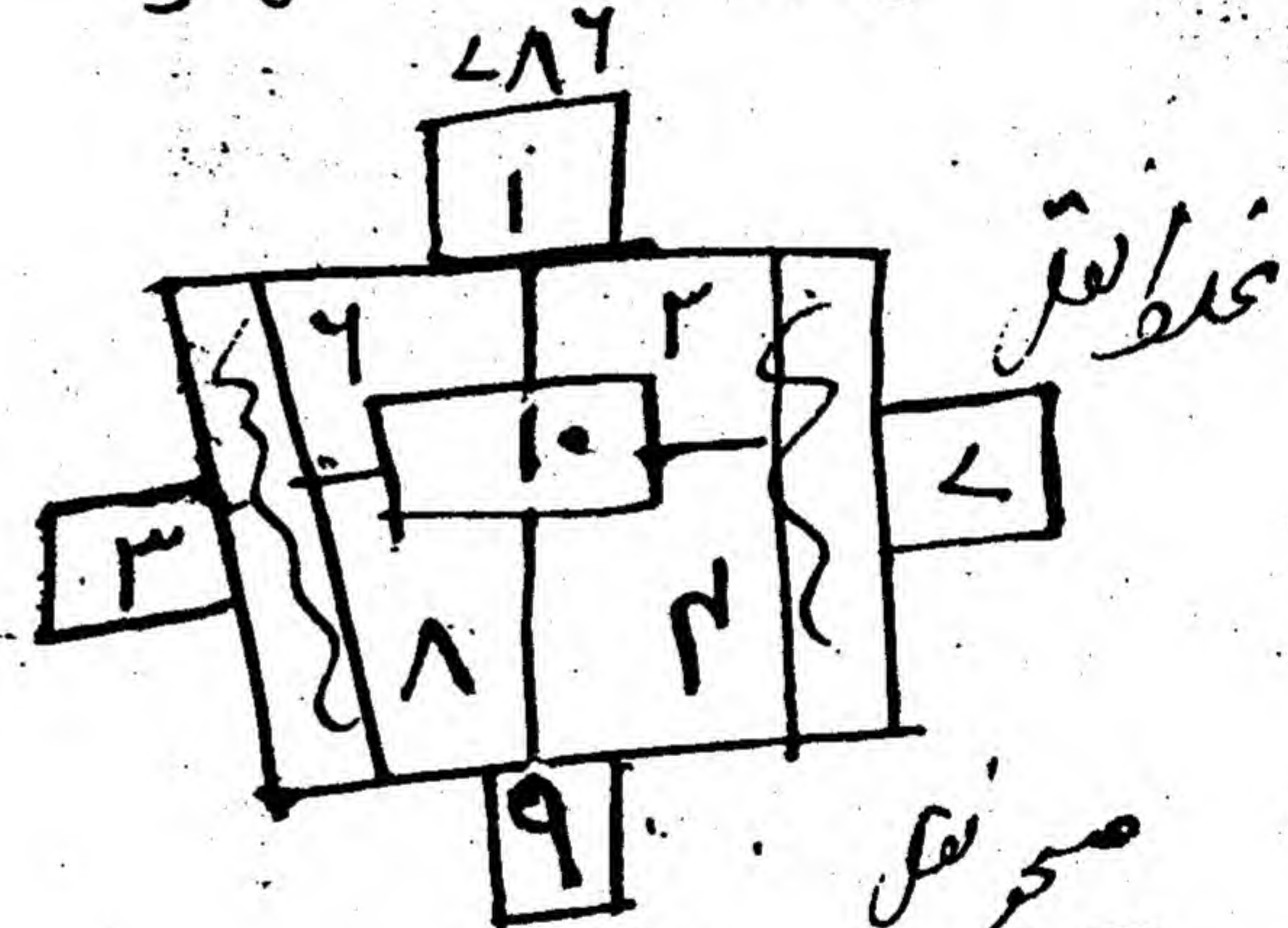


اسم الدار است بکعبه را بار بخواند

دعای مردم کردن کعبه بکعبه چوبه صرف پنج تا و سیماب
 پنج آثار بهر دور ساخته در آب تیر کرده به دارد به
 دور و باز ای را مقعر کرده در سراسر جوشش دید باز
 آن را به کعبه جوشش دید تا که با سوزن بنشیند که مردم
 شنیده از مردم نبود بهر اختیار اندازد که دود بکند از دود
 کند باز چوبه دید شرط همین است که دود بکند باز به
 مس اندازد که کعبه را به شد -

۴۹
 پنجاب پر ڈالو۔ بعد سب کھل کر کے رسی بنو
 بعد رسی کھلے سے کھل کر کے استوائی وقت معلوم
 کر کے پتہ بند کر کے رکھو اسے استوائی کر

نقشہ بنیوان واسطی ہر مغرب مفید ہے
 روز نقشہ بنیں آباہیں گندم میں گول بنا
 دریا یا لہر میں ۲۰ روز عمل کرو



۵۰
 گاہ صبح نکال کر گدہ کھولو اسے پنجاب کے واسطی
 دس لکھ چھ سو پچاس پچھتر گنتے ہیں آدھا
 دیوچ میں سکھو چھ سو دہ گدے ہوگا پچھتر گدے
 پانی ۱۲ لکھ ڈال کر مقعر ۳ دن بعد بتے سے مقعران شکار پانی
 اسے کھدے دیکھ کر گدے کو چننا وہ نمک تو ذلہ سنگھیا
 سر ۳ حصے کا دھواں سرخے ہو دو موٹے قدمے لٹے گدے
 درمیان دیکھ کر سرخو نجی میں ۱۲ لکھ بجم دو موٹے قدمے گدے
 بادی یا چکر کھا کر نقشہ در دلقو، چورہ مکھن حاصل
 شورہ ۲ حصے تک چرس تو ذلہ دو نو مسل کر کر رہی
 آہنی میں رنجر رنجر آد گدے چلے گا گدے
 جب گدے کے ہوگا شعلہ چرس بند ہوگا
 قیل او حیاک کا مانند شورہ رہے گا سر در
 زمین لپک کر رہے شورہ پانی دولت دو گدے
 ذلہ یہ شورہ ذلہ سنگھیا سرخے لکھا کر کھل کر کے
 تھے میں کلکھت یا آک دو نوں کام مس و
 کیا ب نہر دیکھو ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰
 زمین نقد خشت کر کے سہ ماہہ سفوف روز نما و
 پچھتر بادی کی بہت مفید ہے بخوبی دیکھو ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰

جب دھواں آئے علمکہ کرہ نچڑ لو اسی طرح ۳ یا ۵
 دفعہ - پھر ۲ یا ۳ ماشہ افیون ذرا پانی سے گھول
 کر دھو کر دایہ حصہ لیب کر ششرف ہر چھانک
 آگے گندم کا گولہ بنا اسی گچی میں تلو پھر مٹی یا تیل
 ۱/۲ آدہ کا پتر حصہ لینے ۷ ماشہ جیسے افیون سے کیا
 بعد دو عدد اندام مرغی زردی میں سفیدی الگ کرنا
 ایک میں ششرف ڈال اسی گچی میں چمکے سے پکڑ کر
 کھینچے دو جب دیکھو سنت ہو اگچی میں تیلنے دو
 دوا پتین دفعہ لگا کر کھو اندامی لالہ ہو فی تولہ
 ششرف ۷ ماشہ سنگھیا زردی کو کستوری ۳ ماشہ
 اگر نہ ہو ۲ ماشہ لو علمکہ کر کرے سب کھول کر لو
 اور زردی بھنڈ مرغ ایک ملکر کھول اسے
 گولہ سر یا پوٹھ لگا دے ملکن سے یا ملائی سے
 بعد کسیر دودھ ۱/۲ یا ۱/۳ یا ملکن کھاویے جتنی
 بھوک لگے اچھی خوراک کھاوے - ہر روز جماع
 ترشی مرغ ۲ کل سفقہ ایک بحر - ہر روز جماع
 تحت باہ بال سیاہ ہوں - ۵۳ سال سے استیلا کر
 گھی مت کھانا مالش دردوں سر گھی لچ فائدہ کرے -
 زردی بھنڈ جو ششرف ملکہ لگے وہ چاہے کیا تو - از سیرا شش

گوشت کسیر افیون لکھنوی تخ ریحان تخ ملنگان
 ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰
 سمندر سو لکھنوی بیج بند بادیان سونف دھنیا خشا
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰
 موملی کھنڈ گوند دھات سر دھتے الہی زرد
 ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰
 طبا کشر کول دودھ صابن کھلی کیکر تخ سر
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰
 لکھنوی ملتی - برائے جریان و سرقت اخزال عجیب

حسن یوسف تخ - سف مقناطیس - تخ لینہ - شکر و لہ - موملی
 مرغی کھاندا شہد خالص سوا کہ گچی رول کو کٹری یا
 پیتل سے کوٹ موم جیسا ہوگا -
 اچھی موم پڑا نہیں بنا - کھوراندہ کا پیتل سے لکھنوی سے انگریزی
 صغنی حوت مالہ ہانے روکتے اور محل کو تھوچ دیا ہے
 شنب یہ محل موم ہوئے کہ شربت طخت و سفید ہے اور محل
 میح رہتا ہے اور گنے نہیں پاتا - کسی ڈاکٹر مشورہ کرنا ضروری ہے
 کہ مقدار خوراک تاثیر و خواص کیا ہیں -
 یرقان موملی پانی اور شہترہ تولہ و علمکہ ۲۰۰ ۲۰۰ ۲۰۰
 ماشہ

آنکس که بخت پیروز نیکی است و آنکس که بخت بدی است
 حال تعلیم از کلام مشرب بیدار است از کوزه همان برآید که در است
 یارب برسانت رسول الثقلین یارب انزل کلمه بدو حسین
 عیبا نایب را دو حقه کن در هر صفت یارب بخشش و نیکی بخش
 یارب و خدای من در بر ایشان فرستم محتاج برادران و خویشان
 بے منت مخلوق تو را از روی ده تا از در و در ایشان فرستم

آید بدرت امید دارم که تو را بگویم و یا بهر
 بخت زده بسیار مندی خلد زده گناه گار نیست
 دزد زده خوشتر از دینار دزد زده خوشتر از دینار
 حاشا در در و باز گردد تو میر جانی امید دارم
 بر باره از حضرت الهی که بے منت شانی بسگاه دهند
 خدای من که عامل معرفت دریایی از تو دیندار تا بخودت راه دهند
 نازده در جهان است یارب آنکس که کلمه نذر حق نیست بگو
 من که کلمه و توبه سعادت دمی پس فرق میان من و تو چیست بگو
 ای سرور و در کینه بر صاحب دلم که دوستی در رحمت تو بر همه کنی باز
 هر کس که بدرگاه تو آید بنیاز محروم ز درگاه تو که گردد باز

بستم دلم مار و دم عقرب بستم پیش از دم و دم بر دشان شوم
 بزخم نبی سدم کردم رشم شینج شینج
 قرشیا قرشیا بستم

دل
 فردا آن را حساب دنیا نکنند
 ای دفتر کینه را در گردا نکنند
 داند که حال بنده گان اول است
 البته کریم ترک ادله نکنند

دل
 شب حاصل خیرین زیاده اراا تو فیتی رفتی دل
 ای ابر سعادت سخن زار بیار کس نرزی کس نشنود
 دل
 ای در دلفش صد کینه از من دیده
 دزد حکم و سرم سرده من نذر دیده
 ای من ترا از هر چه عالم بتر است
 ای حکم تو از من بتر آمزیده

دل
 به خواه ایشان هیچ مقصد نرسد یک بدن کنند
 من نیک و خیر و دوستی و منی و منی و منی

بسیار که سر سوخته راز می دارد بار از تو سر بنده نیاز دارد
لایق قادیان و لایق خلیفه است که آن کسی که به زکات نیاز دارد

دافع هر دل
در محبت وجود فرمای از تو آرام دل به سر سامان از تو
مارا به دایه درد دل گوی نیست دل از تو دور دارد و در دایه

عبارت
که دانسته حال عامی را
نفس زفته ام راه سعادت بسیار
نام خود بهر محققه در تیر

خود رنج کرده از انانیت
کسی که من هرگز از کتابا است

من خریه آرد و السسین با نزار
هر چه دایه ز جبین بخشا کیش
تو به عقل بر کن زید لطف بسیار

عبارت
روحی جا بود و بر آن در کل
سر زنده از شایع است و از سر
ست الهام این که خاطر تو
برد او سوز خیر از بهر کار
باز و سواست به تو است که تو
بر روی سوز به نیت شایع

اسرار از لایق راز می دارد این حرف طایفه و تو ای و من
ست که اندر پس سوره گفتی من و تو هر دو بهر اقدار تو

۹۱
ستم خنای با تو بهر دوش از سر دد و سیه زان بنا و شمع
دادم به دل تو خنای از من یاد است مرا ترا فراموش

۹۲
ای جمله بیکسان عالم را کس یکجور رحمت تمام عالم را رحمت
من بیکس و تو بیکسان را یاری یارب تو بفریاد من از

۹۳
ای ذات تو بهر تیر و شایع ما وصف تو بهر ز جویای ما
حد و جانی است که خود میگوئی بهر اسف جبارت آرای ما
روز می که کند اجل که بیابان خاک در غایت به خودی بهر دنی
خارج که مرا از خاک زده بهرداری در نقش کنه لوح و حکم سازی

۹۴
یاجت نظر به بر من سرگردان کن ای محبت دلشده حیران من
هر سخن بر من مکن آنچه منرا می آید بهر چیزه از لطف و آید آن کن

۹۵
من بنده یاریم رضا می تو می ست تاریم دلم ز در و صفالت
مارا بهشت بر لقاوت بدین ای بیج بود لطف و عطای

۹۶
ای درد و لطف صبر کنه از من دیده در علم و کرم هر ده من ندیده
ای من تیر از هر چه عالم بهتر است ای علم و از من بهتر از زبیده

جهت خوش دل
دنيا چه بمرند بشره کثره اشتوش بودن

ما به سجده جهان، هیچ عجز دشمنی
خوش نیست بر این هیچ مافوقش بودن

تا دل ز غمت هیچ سنگ دارم ایدوست
از غیر تو دیرینه دارم ایدوست
گفتی که من شلیشگان نزدیم
مانیز دل شکسته دارم ایدوست

راستی که تو بهر روش جوینده خوش است
کوی تو بهر جهت که جوینده خوش است
رویتو بهر دیده که بنده نیکو است
ذکر تو بهر صفت که گوینده خوش است

یار بهر محفل و در برابر یارب بجنبش حسن آلا عیا
انزله لک بر آرزو خاتم در دو کمر
به شیت مخلوق ما علی الله علی

جهت نبات بافتن از زلف و عیار
روز طبع از فراخ خاموش شود
با بیل زردان کفن خدا با چشم
جهت کم شسته با
برگ و شرد کم از غنیک آواز
یازب به دوستی مردان ریت
جهت مطلب

رفع به گاستن تیر ساد و بود
بر باد و خیال تو بهمنجا
جهت خنجر بر نماز
گردست دعا تفریح انداخته بزم

نکین زلف و قدت بهر دایره
سبحان الله بهر غم یار تو می
سبحان الله البقرت کن فیکون
سبحان الله انشا الله ما تو می

برداشت سفیده چون حجاب از طرف
نکین شود لقا بر من قلاب از طرف
چون ببت قیاس از خط او کسبت بدید
صح از طرف و آفتاب از طرف

طلب روزی بختی
اے راه نما دے بمن یاری کن درمانده و بکنم و غمخواری کن
بودگر تا کسم کسم خدا یا مفریت بے منت خلقی روزیم جاری

جنت شفا از بیماری
یکبار در تبارزه نشی جانفش بخش بر بنده مافر دست بخش
صد بار بلفظ درست بخشیدی این بار بقال صرا میانش بخش
جنت تسخیر قلوب

یا حیدر شمس اوردت مده است
بارنده شست و چار وقت مده است
کارے بجھے فتاده در پیش مرا

یا صاحب دوا الفقار وقت مده است
جنت نشودن بستی

اے خالق دوا ابدال و اے بار خدای
تا چند روم در پیر و جالے بجای
یا خانه امید مرا در بر بند
یا قفل بهمت مرا در کاشت

جنت درد حشم
یارب بد و نوز دیدم بفرمای
بصور حال من از زمین عنایت بکنم دارم نظر آنکه من نفتم نظر

جنت دشت رزق
یارب تو بر یکی کرمت تمام بودی انعام تو بر خلقی جهان بود
تو صاحب جود و کرم من بکسی انعام ناکند وقت انعام بود
جنت رسیدن نعمت

برگزینم ایام نه دارم خوشم کرم داشت رسیده شام ندارم خوشم
چون بختی بختی بختی از هیچ مخرج عیب
از بس صبح خام ندارم خوشم

غمناکم دارم پیش تو باغی ندارم
از دره رسم و تو کرمی بر من تو میده کس نرفت من نروم

گرمی بفرمای ردی از من بردم عفو تو امید است که گیرم
گفتی بهر روز بجز دست گیرم عاجز تر از من خواهی که اندر
دفعیت

الحمد صفت ذات و حیران دهم و ز سر دو جهان خدمت درگاه
عبادت و ستایش و شفاعت تو دسی یارب تو بفعل خویش لبان و ده

جنت نجات یافتن از خوف
روزیم حراج خاموش شود
با بیدردن من خدا یا حشرم ترسم که بچشم فراوان شود

اگر

بعضی ہلے درجن دن کو دورہ ہوتا ہے۔ بعضی کمال
کے یا ایک دن
کچھ اور مہینہ استعمل کر دے۔

اگر بغل زمانہ تھی تو اس کی کرتے ہیں
بعضی دفعہ صنف دماغ کو دوا بخور کر اسے
سے صبر کرتے تھے۔ *Ammonia*
تو دماغ کی قوت کا خیال کر دے۔
تجربہ دماغ دوسرے سے بھی مری ہو کر۔ *Ammonia*
و جنہاں کہ دورہ وقت سے کہتے۔
بعضی دواجات سے کما زیادتی دماغ کو جلا کر کئی سے فائدہ تو ہاں
کچھ کما سہری کافور و نعنعوں میں وقت تلف
والہ مفید ہے۔ دم سے پانی دندی۔ انگریزی
دعا مل و صوفیوں د صبر سے بھی فائدہ ہوئی
انگریزی صبر *Ammonia*
ایک کا دل دو وقت

ساجد حسین کاشمیری *Ammonia* اور دماغ
قلب معری *Ammonia* کاشمیری اور دماغ
ایک حسی *Ammonia* کاشمیری اور دماغ
ایک کاشمیری *Ammonia* کاشمیری اور دماغ
ایک کاشمیری *Ammonia* کاشمیری اور دماغ

۲۸ صفحہ۔ صحت عہدہ ملا لیا۔

یارب عہدہ را سیرکت بم اللہ داری زیر لای شب و روز لغا
یارب تو را در آن دم باز پسین تعلیم دہی لا الہ الا اللہ

بجہت مہمات ہر روز ہشت بار
اللہ بفرما دین بیکس رس لطف و رحمت یارین بیکس
ہر کس بکسے و حضرت مینارد جز حضرت تو ندارد

یہی بار لہذا بخواند بہت حاجات در طلب آرزویش
اے آنکہ سر آرنہ حاجات توئی ہم قافی و کافی الہام توئی
سر دل تو پیش راہ کوچ آباد چون عالم السعد العقیق توئی
جہت کشائش مہمات ہر روز چہلبار تا چہل دور بخواند

اے آنکہ محب تویش پائندہ توئی
وز ظلمت شب صبح غائندہ توئی
کار من جہارہ توئی بہتہ ہفتہ
ملکشاے آفندہ ایاہ کشائندہ توئی

جہت وسعت رزق
یارب ز قناعت و تنگدستی در تو رہیں دم منور راں
اسباب من دل بندہ سر راں را با منت مخلوق راں

کتابت سرخ - س - روغن گندم
تبرکات مغفیه -

Paulo Specar Radz Radz

۲- کانی اورنگ کانی کیلے ذراک ایک گری کد
اور جوان کو جا گری اور جرات میں مدد کرور
نادر کرتا ہے -

هوالمشائے

ربہ ہی ربک ربہ آملہ بنارسی ربہ گندم ربہ بنار
آدل آدل آدل آدل آدل آدل
کافی کیری پانی میں خوش دی - جب ۱۰ کیری به جادے
آکسی همان پیوی - عرق کلاب عرق بید مشک عرق کوزه
عرق کاذران سوی آدل آدل آدل آدل آدل
آدل آدل آدل آدل آدل آدل

حلت شور قلمی برگ لیمو کتاب چنے اکوت معق کوطا
سراشته سراشته سراشته سراشته سراشته
جبت مکس مکس مکس مکس مکس مکس
سراشته سراشته سراشته سراشته سراشته

برای خانه بنا کردن - مع الفیض الله
دوازده برده در هر ماه - چون خانه بنا کند در

چتر پشیمان و حیرانی نرود و در قنات بنا شود
ساکه در خانه الکباب دنیا بنا بسیار شود
چینه صاحب خانه بمیرد
لار الکباب دغله بسیار شود
ساون مال و الکباب او را خدای آقا نیر گرداند
و نیکی شود
بها دون شتر و مار و گاو و گوسفند و بچه باشد
و دشوار و پیش آید
آکو اخلاص با زن دشوار شود و سازداری باشد
نک در خانه و الکباب فقر باشد
مکسر اولد و فرزندان بسیار بود
بوه در شتر و بچه باشد و برادر خانه نماند
مالک و حیرت ۵ نمائند (باخت) زیبا شود
مکس آتش شود و سوخته گردد
بجای زرد و قره بسیار شود

بیار و گشودن قلع میانه برک و تیغ حل کرده در میان کیماب باند از دو حل
 یک گز زمین کندیده زیر و بالا با حله شسته دانه لبوز اند وقت
 صبح بیرون آورده دو ماشه مس گداخته یک رقی خاک باند از د
 نقره خالص

نوع دیگر سیاه کشته اردو
 درخت دهنوره کفندج برگ و شاخ بجه را لبردی کرده در میان کیماب
 داشته اندک زمین کندیده در سوچ گلی داخل ساخته در زمین
 زیر و بالا با حله شسته داشته آتش دهنر سیاه خاکستر کرد
 نیم معده وزن خوابه ماند

یک سیکه ام زفته ساینده در میان ظرف میست با آت
 شود در بستر قلعی میاشه اکسیر اندازد نقره شود

نیارد دیوچه یعنی جفت آب نموده و در نخل بپختانند تا بپزد
 آن را در میان سرکه تا جمل روز بنهند بعد بپزند بر جا که
 موبه آب باشد آن را بپزند

کچنه سکی لحار وزن با آتش آرد آن را در شراب طبعی خورید
 یا زده با زهره دساخته اندازد که اکسیر شود بعد از آن بوزن میاشه
 قلع باندازد وقت هر ۲ آب قلع جزیب شده نقره اردو

عندج منم کل - سفید سره آب پیاز لسته این هر دو ادویه در شسته بشود
 در اردو دوی دغن کند جمل روز بیرون آید بعد با لیل دراز -
 دارک سوخته - موم گل در دغنی لیه - مسه بوا سیر
 عکسری آب کوبیده برای عتب - زرد چوب رودنی زرد - تال جستر
 سواکه عکسری کشت در مریه لیا برای عتب - برای سوزاک

عندج در دگوشی - استخوان آدی سوخته ساینده با رودنی گاد استخوان
 کند قدر در دبر نخ در گوشی بندازد وقت صبح و یک زره شام در دگوشی
 دفع شود - عندج دیگر که پیچ آید تخم افروفت ساینده همراه رودنی
 کمال کند در گوشی دوسه بوند بیندازد در دفع شود
 عندج کینکری یعنی شکر بیره - لاه سورال سوخته کرده شعله کند
 سوخته سفید زیره وزن برابر گرفته باب برگ تلسی کشته کهرل
 نمایی کولی برابر کولار جفتی به بند همراه دفع کولی خورد
 وقت صبح دو وقت شام باب برگ لکاهی آب کشته باب کولی
 بخورد - برای امساک
 آلی بخارا کول جاقفل روم مشتبه تا کلمهان کیش در آب
 ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه
 کلد کهرل کرده کولی بند ۲ رقی

سوزش دست و پا و دجهات در پا و دست
 برگ خنایم کلتی سفید کمر بند کجانی این همه را سرمد
 ساینده بر دست و پا هر جا که سوزش باشد لیب دند تا سه
 روز آتش و سوزش و جفت و غیره همه زرد قد اطل و خشم
 قدری نمک بریان و زار کدم - نقره هر سه
 کل ادنی منکول ۲ این سر در آدینه سوخت بخورد سه بار و روزی
 ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه ۱۶ ماشه
 سینه آب برنج یعنی کله بپوشند سه روز

کچھ کی کھانسی ایک سرے پر بریاں کر دے (چون کا کرنا) پھر اس میں ایک
 کچھور کا گوند (دھکی بدھ) ڈال کر دس چھان رسوف بنالو
 خوراک کر لیتوں روزانہ صبح دودھ کا دس میش کیا ہے

ششرف اسکر
 ششرف روی شربت دلی ششرف میٹھا تیلہ پیاز سفید
 ادبے بیرک ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر

تیل اکر خط لکش
 گندھک بارہ دار چینی ان تینوں کا تازہ لیموں لہجی
 ۱/۲ دلم ۱/۲ دلم ۱/۲ دلم ۱/۲ دلم ۱/۲ دلم ۱/۲ دلم
 میں ۱۵ روز تک خوب زور سے محلول کر کے تمام کر
 ہو جائے پھر گلیاں بنا کر تھال خستہ سے نکال کر تیل کر

لذت
 شہرک ناسخہ مرع - اندری بھالی زبان زراغ
 ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر

ایک چادر بھر باز می
 دھتورہ اخیون کچی - ششرف روی دلی مال لنتنی
 ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر

بہت کم ہوا ہے

کھجور کا خالص ۲۲ - خالص خاں بہادر ساقی نمبر دار انیش دیا دھکی سے
 ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر

روغن بلبلان اخذ روغن سو سن میں چند بڑے بڑے چھوٹے پانچ
 درم ڈال کر دھوپ میں جہاں ہو انہ ہو لے لٹکا دو اور آٹھ
 دن تک دھوپ دو بوقت غروت مرغ لہر سے
 دھکیل نکالیں پھر ملیں خوراک کر لیں

دودھ غرقہ قرچا دھوپ پیاز عصفل عرق میں پیس ل
 لگانے سے درازی ہو جاتی ہے -

جوز ماشل دھتورہ ۱۱ بیج ۱۱ بیج ۱۱ بیج ۱۱ بیج ۱۱ بیج ۱۱ بیج
 ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر
 صحنہ عربی کیمبر کا گوند - دس پیس کر اور چھان کر دانہ
 ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر
 نخود برابر گلیاں بنالو اور دارچہ کی ٹھوس میں رکھ دو
 نہایت مجرب - امساک کا ختمہ ریح کی جلد بیماریوں
 کھینچے پیچہ مہینہ - برقعہ کا دانت درد کی ازلیں مہینہ
 نوٹ وزن کی نہایت سنہتی سے احتیاط

۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر
 دسم سو ما میں روئی ایک دلم گوت کر ایک چٹا نکالیں
 ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر ۱۱ آکر
 کا مانت نہ رہے

پایان فرار - نف بانی کا پانی نکالو اور پانی
 کٹا کر پھر کرکندہ بناؤ - جتنا پانی ہو اتنا ہی پانی ڈالو
 فی کس کو کھانا دے دے دکاندار سے رشتہ میں فرار
 رکھ کر ملکیت کر کے اپنے آپ کو دی کہ خشک ہو
 جائے - سات بار سر نیسے قاضی ہوگا

دکتر - اندا - فرار - روغن شیری سر جوش
 عمل اسے باضو - رات کو دیواری طرف منہ کر کے فاصلہ لیا
 (فٹ ہو کر پھر بچھ جانا اور پیچھے چراغ رکھ لیا - سیاہی
 طرف ٹانگیں باندھ کر رکھ لیا - جو وقت نظر تھک
 جاوے اور از آنکہ چھلنی ہو تو نظر سیاہی لگائے
 اور اسے چھک میں بھر دیا ہی عمل کرے
 درد ۱۰ مرتبہ پڑھنا اول آرزو و شرف - ۱۰ مرتبہ پڑھنا
 ہر روز کو سنت قوم پڑھنا - عمل دینی حق الہ - غیب

مجھ کا غار سے پتہ نہا کر آیت کریمہ بار بار پڑھ لیا
 عمل - قابو ہو جائے - رات کو چراغ لگا کر درمیان میں
 رہی اور دن کی ناخانی کھینچ کر سیاہی اور تیل و شہو لگا کر
 دھنسا یا دھندلا

الہ الحمد یا مسب الاسباب یا عزیز یا عزیز یا عزیز یا عزیز یا عزیز یا عزیز
 بر آب

دندانہ اتھو سر دودھ میں یک یوم و دھار مجبور ہو لیا اسی کو دے میں
 بھرنی معروف آج دودھ سفید با وزن برآمد ہوگا -
 ہندی ۱۰ چھوٹے پانی میں ۱۰ یوم

دزیشہ - سر شہید را صد مرتبہ پڑھنا و سر دھند قاضی
 کرکندہ بنا
 کورنگل - جل دھنسا - لٹوری - زیر ہی بری ہے
 شکرہ کا کھا گائے - پٹا پٹوٹ - کٹری پٹنے میں عرق نکال کر
 جب کہ تیل ازند میں پٹھا دودھ پھر نیچے اور سمندر و حب
 دیکر گلاب و صاف ہو جائیگا

ماہ مارچ میں جبکہ تباہی ہونے کا وجہ ہو کسی نہایت محفوظ جگہ پر لیا
 وغیرہ تیار کر کے زمین واسطے تیار کیا جائے کہ کسی کوں نہ بھول
 سن یا پھر لے کر ان کی پانی میں بھگو دیا جائے اور اس پانی سے
 پھر زمین سیراب کیا جائے پھر تباہی اس میں ہو جائے
 جب شہنشاہ نے تو اسے اور دودھ سے ڈھک کر اس میں فرار جگر
 ہو کر بھر دیا جائے کہ جذب ہو جائے جب فعل تک کر
 تیار ہو جائے تو پھر تباہی جب دستور جمع میں بھر دیا جائے
 سر در بیان میں ایک سہ بھی رکھ دی علم کی جگہ آج
 مال تیار لکھنا

جون کا چال سر پھر میں لکھ جھانک جب دھڑ ۱۲-۱۵ اس میں آج
 دید - جھین آج دھڑ آٹھ بجے سبھی ہو جائیگا

29
 Face سے ہر اشیاء کی شکل و آئینہ کو حل یا تھیل
 رکتی ہے۔ یہ سیرٹ جو کہ پتھریلہ نہ ہو حل کر کے اس
 میں باقی اجزاء ملدو یا بجائے لپسٹ سٹی لپسٹ تیزاب
 گندھک - ہر اشیاء کی شکل و آئینہ کو حل یا تھیل
 جو کہ اچھا کام دیتی ہے۔

سیرٹ کیلے بہا رک براؤن
 پانی گرم کر کے تھوڑا سا نمک ڈالو اور کسی ایک برتن میں گندھک ہر دم ڈالو
 کہ بجل جائے

کشتہ فرار تیزاب مرکب کے
 mercury nitrate
 salmorina
 zinc acetate
 vanilla extract

فرار صاف کرنا از غندھک
 ہلدی یا نمک میں دھو لیوں ڈال کر کھول کر لی۔ بہتر ہے کہ دھوی
 یاد نہ در کھانڈ میں کھول کر لیا جائے۔ جب فرار اسے چوب
 ہو جائے اسے لپسٹ یا فنی میں حل کر لے۔
 طریق یہ ہے کہ شہد

بالکل سرد ہو جائے۔ بالکل وغیرہ نہایت احتیاط سے نکال کر
 طرف کی اندر دنی چھڑا دوں سے نکال کر فرار الٹھا کر لیا جائے
 یہ نہایت عمدہ صاف ہوگا۔

جب صاف کرنے کے بعد ملدو اور سیرٹ کی شکل
 دیتے جاؤ۔ بہتر یہی ہے کہ مٹیے تیل میں ۱۲ بجھاؤ دے جائیں
 ۴- جب صاف کرنے کے بعد دال ڈال کر دیکھا دو اسٹال
 کستور دالوں ساتھ شہد کے ذریعہ کرے نہایت عمدہ قابل
 کرد کستور کے وزن سے تین ہو گا ہے

The scientific supply Co.
 20-32 college street market C.A.

pure vinegar — our aim
 پہلے ایک نئی شے میں ایک دو کپیر ہرانا اور تھوڑا پانی ڈال کر
 وکھ جو طرنا تاکہ اس میں خوب خوب ہو جائے۔ پھر اسے دالوں
 کے چربی وغیرہ مل کر دھوپ میں رکھنا تاکہ خوب حل ہو کر
 سام بند ہو جائے۔ بہتر یہ کہ دلی پیرا چینی کا برتن لے لیا جائے
 بعد ازاں بجاب فی کپیر میوہ یا بھجور جس چیز سے سرکہ ڈالنا ہو
 سے دھوپ کر نیچے ہر ایک وغیرہ رکھ کر کھانا چلتا رہے کہ اسے
 اس میں دال جبکہ رکھنا چھوڑنا چھوڑتے رہے بعد میں دال
 دالوں کے دالوں کے ساتھ لپسٹ یا فنی میں حل کر لے۔

[illegible]

برای گذاشتن رزق و جمعیت و تسخیر خلدن
بدین کثرت و محیر که با دفع سه بار خوانده بعد از هر صی ادا نما
و تسبیح از کمال شام دو بار سه دفعه دیگر بخواند - هر روز
ندارد
دست سوره الرحمن بیست و یکبار تا یازده بار
هر روز بخواند هر روز تسبیح سه بار
از گذاشتن تسبیح بعد از نماز صبح یا عشا یا پس از شریف
بخواند -
دست بر آید گذاشتن و جمعیت و تسخیر اول یازده یا زده بار درود شریف
و بیست و یک بار یا بر این اسم بایده خواند
از قبله تا یک شب هر شب یک بار یا بر تسبیح طامی
مجلس اول و تسخیر کمال بخارون در میان ام بازا محمد کثرت
الرحمن این صبح سه بار یا بر تسبیح طامی یا بر تسبیح طامی
تسبیح سه بار - اول تسبیح درود شریف - سنت دل میں آجی از قبله
دعا مانع - قرصی سے خدمت می رسد از حق می برکت
دست بر آید تسبیحی نهایت مفید بسیار خوب است
تسبیح کافور خندل بعد این هر دو تسبیح را هر
سه بار یا بر تسبیح طامی یا بر تسبیح طامی
تسبیح تسبیح کند و تسبیح کند و در
تسبیح تسبیح کند و تسبیح کند

HLB C

و غیر بر این جهت - شوره پنج بار ابرو باریک نموده
 و در هر دو بار با یک و از سرش که تا که چو بر آفتاب
 ابرو دور شود - پس تری مسافت در کف کالی
 یا در کاسک گای بناده مسود و بنوده بر سر آن
 سرگین آفتاب در بعد از آن نصف شوره خام
 همراه کرده کحل نماید که بکند شوره بعد از
 دو روز سم الفار گرفته نصف شوره آفتاب
 نصف شوره آفتاب در زیر آفتاب روشن کند
 تا که سم افکار مثل بلور چرخی در دخیته بر آید -
 بعد از آن یکم شوره از سم الفار بر یک شوره سرگرفته
 زبور تیار کرده بتصرف در آورند -
 نکته سر شوره خام شوره شانه
 سم الفار سفید شوره کالی سیاه از زیر سر را بپزند و در
 محلول ساخته بعد از روغن السی آردم انداخته سرش کرد بعد از آن
 در ظرف گالی بپزد و بی انداخته ملکوت کند پس از آن
 کله آورده در میان سوراخ نموده در میان آن کالی در
 و با تله کشی داشت دوده در پنج انبار اولی آفتاب بخته بپزند

دانی در گردن مورچه باشد برگ مانند برگ بچون
 دگره دار بر زمین باشد و بالندی او در آن گردن
 گل برگ زرد نموده باشد و زره او مانع باشد
 آن را آورده شوره کشیده به قلمی در سه بار
 بچو زده بمرام ای جادو باشد از بوده است
 ترنس قاع بخود سیاه - سیاه بکند و بخند
 بکند به هر دو در تغییرات سرش کند تا سه روز
 بعد از سرش کردن و قوی بپزد در آن بخوره کلی بخته انداخته
 در آن آن بخور همراه سر و سرش کلی بخته بخورد
 بکشد بخت بخور بالندی دیدن آن بهار و زیر آن
 آفتاب نرم افروزد تا یکسایس بسوزد و بکشد
 سیاه میماند آنرا کشیده بهار و بپزند از آن
 بر یک سار کالی کل در دیر -
 عمومی که سیاه آرد به بالندی و کج طایع اندازد
 و آفتاب دهد خمر کرد -

تشریف ملو پس سفید بزرگ سفید ۲۰ و فترت ملو کی لیا
در میان نهاده دو پاتے آتش دید سفید کشته شود -
دیگر بعبیر دگره سبع اول و سیما - سه پاتنه در گره
نهاده بر اختر لکیر پانچ پاتنی چونک زرد گل
و سرخ و نندی دارد در ده دید یکبارگی گره فی اید شد
بدارد باز کند همیں گره پنج اده با سیر سه اده داده
چرخ فی اید لقره فی اید شد -

۸۷
 دیگر و با کنی ضربانی که بر زمین نه باشد و برگ
 دیگر کهانش مثل برگ بنی است
 در کن تلخ ساینده بقدر کفار کلدن گویانها بسته
 نفاها دارد بیک گوی چار و کله فرار را غفنه
 میشود

دیگر و تالینز سهاگه آب برگ ترب سق بلنج نمایند
 ۲۰م ۱۰م
 و مقدار نخود حبها سازند و نگاه دارند وقت حاجت بکجه
 یا زیاده آب لیج حل کرده به سق قی با ساقی آرد
 الفصا تخمین محل آب ساینده بخوراند و خوردن آرد
 و خوراک دو کلدن را از دماشته تا پنج کله و طفل را
 بحسب سن کف و بلنج بسیار آرد
 و بعد بر تهر و و بلور بر طادش لبسوزند
 و خالستر و با شند آمیزند و به بند بلوک
 و نه دور شود

دیگر برنج ساقی در آب تهر نمایند و آب منور
 بنوشند و دفع شود

۸۸
 برای عجمه بگرد و نفل کرد و نفل در آب تهر بکشد
 و سهاگه ۶ ماه و هر روز کلدن ۶ کله و کوفته بکشد از آب
 کرده بر آب بریان کند تا که بکشد شود بازاری را ساینده
 در غسل آمیز کرده به اورد قدر هر روز بخورد و دفعه شود
 و دست عجمه آید و بلنج دور شود
 فنه آتش

و در آرد منور و پنج زیر و پنج باله و کلدن انداخته و سق آتش
 بکشد کند تا که در آتش بکشد شود سیاه شود و بیرون
 آورده و کلدن بکشد که در آرد منور و از آب بیرون آرد
 باید که همی بخور و چهل و یا پنجاه آتش دهند تا که رسکوار
 تیار شود - خوراک یک یک برنج و یا دو برنج همراه خوراک
 و یا مسکه بخورانش -
 الفصا بر آب آتشید خود خشت نموده ساینده برابر
 او نخود و کلدن تهر بیاورد و آمیز نموده و نیمه باشد و ای شسته نگاه
 دارد و یک بخوری هر روز بخورانشند و غذا ادا و کلدن و کلدن
 و غنی را دور دور وقت بخورانشند -

و جوز مقدس ۶۰۰ - غسل ۱۲ کله و مطلق ۹ ماهه
 بکشد کند و کلدن صاف نموده تا که سهر شود

ترکیب کشتن شکر در دوجوب ۱۳۱۱ ع
اوله زردچوب یک هشتاد زردچوبه انداخته
است اندازند و خوب ساییده کنند که نغده خوب خوا
شد - در نغده دلی شکر بپاشد بپوشد / ده
باله اول نغده باره بپاشد در اول نغده آثار
آتش دند بار بپوشد آورده باز آتش
اوله سه بار نخته دند و سوم آتش بکشد
بدند تا که همگی طور صفت آتش بقدر بکشد
بعد بدند تا که شکر تیار خورم بدند
در آب او سفید میشود یک برنج بپاشد
همراه مسکه گاه بخورند - قوت بسیار دارد
مخرب است - همگی صفت آتش تمام میشود
دیگر برای دفع ریشگی رتن با نغده خوب و پنج تخم
سراپه چند روز بخورد نیکو شود -
دیگر برای دفع سر میو جنگبار در ششتم دن آلات
در دند المغول بخورد به شود -
دیگر جهت امساک زنان در دمان سمندر سوخته بخورد
چهار سمندر سوخته ساییده در آب اندازد

ادویه روغن طلعه بر قفیب برای قوت پاه ذکر
 قیام آلت و دفع سستی ذکر کلمه ۴۲ درم زرنیخ سرخ
 منز حب الملو ۱ درم گندمی سفید ۱ درم
 مته تیلیا ۱ درم قرنفل ۱ درم نیاز نرس ۱۶ درم
 تا سفت روز در شیر ماده گاو تر کرده بده و در محل
 سخن بخورد، حب مقدار نخود بسته تا حمل روز
 در سابه خشک کند و در شیشه آتشی انداخته
 روغن بکفایت اول قفیب را بار و عن ماده
 گاو و حب بخوده مقدار سرخ دوسری
 طلعه بخاید یا برگ بان یا سید انجیر یعنی
 هر نوعی به بند و تا سفت روز عمل کرده باشد

در زنجبیل ۱ درم سیاه ۱ درم
 لند ۲ درم سیاه ۱ درم سیاه ۱ درم
 حبه لند ۲ درم سرخ ۱ درم کبات ۱ درم
 شادله ۱ درم

بسیار و بیدار به لند لند و خالی باشد در جاک لند بزرگ
 زرنیخ ببالد داده در سوزانها سر سرسی آتشی دیر برگاه
 سر د شرد یا زرنیخ سر سر آتشی بده شده تاده دوازده لند
 قی - کشته خورده شده بار یک کرده همراه سکه دله سیاه
 عقد کشته لند ۱ درم در خربزه گرفته سر آنها دور کرده
 منتر آنها با ذک خالی بخوده قوی قدری از عقد
 مندر بر در دنگه دارند و در آنها بنفشه و ب ساخه
 دوسه کمر فی باره کل مالیه به پیچند و در خردج
 بکند دارند و در دوا می لند بر آتشی لند شده باشد
 دوا شلخته شده به آتشی لند بر آتشی لند شده باشد

بسیار و بیدار به لند لند و خالی باشد در جاک لند بزرگ
 زرنیخ ببالد داده در سوزانها سر سرسی آتشی دیر برگاه
 سر د شرد یا زرنیخ سر سر آتشی بده شده تاده دوازده لند
 قی - کشته خورده شده بار یک کرده همراه سکه دله سیاه
 عقد کشته لند ۱ درم در خربزه گرفته سر آنها دور کرده
 منتر آنها با ذک خالی بخوده قوی قدری از عقد
 مندر بر در دنگه دارند و در آنها بنفشه و ب ساخه
 دوسه کمر فی باره کل مالیه به پیچند و در خردج
 بکند دارند و در دوا می لند بر آتشی لند شده باشد
 دوا شلخته شده به آتشی لند بر آتشی لند شده باشد

دیگر لیب که کبب جلی است افتاده باشد
 بنیازد و کت بنیخ کسیر غصه بیدام کند بیدام
 بنیازد و رقیه بیدام عقرو جا بیدام روغن ماده گاو
 ماد را تا باید که جله را گرفته پنجه در روغن
 مندر انداخته حل ساخته بر باره لیب کرده
 فسیله کند و از یک طرف رویش کند
 و آوند مسن برش بندد و روئی فسیله اندک
 فرو کند تا روغن در آوند مسن بگردد
 تمام روغن در آوند جمع شود در شیشه
 در آوند چینی نگاه دارد و بر روز صبح
 و شام روغن مندر بر قفیب طلا کند و چند
 برگ تنبول بالا کشد به پیچند و جانی که
 قفیب بر و فر به باشد از چند تا خام برابر
 حکم به بندد و بایس به بندد و سر قفیب
 بسته قالفه کند تا بفت روز در بوم

ششم از آب گرم بشوید و دیگر روز دیگر قالفه
 بکند و روز دیگر مجامعت کند درست شود بر آب

و عهد لیب بسیار بنیازد و دپاره پنجم دایم
 منسل پنجم روغن ماده گاو را تا ر این سینه را
 بجا نحرل کند و آنوقت بشوند آن زمان بکسوف نشود
 بر باره یافته لیب کند و در فسیله کرده
 جانی محفوظ شده فسیله مندر را روغن کند
 در وی فسیله اندک روغن فرو کند تا روئی
 کوفته در آوند بکشد و آوند مندر را از
 آب سر کرده از سرش بندد تا روغن
 در آوند جکده بندد از آن روغن مندر را
 از آب بر آورده نگاه دارد در خواب
 اندک بر قفیب طلا کند و برگ تنبول
 بر آن پیچیده تا آماده از مداد است
 نماید بسته دفع شود و بسیار سخت کرد
 مجرب است -

سودا گامشک - تل خاقل - مہرے گامشک

۱۱۰ ۳۰ ۱۰۰

نارمل گامشک - میدا - نمک

۱۰۰ ۲۰ ۱۰۰

سودا گامشک کے پتے ۱۰ ہر تہی میں ایک کراہر تہی باد
بانی ڈالو اور ۲ گھنٹہ گھسارے در مگر
۵ گھنٹہ بعد اسے کسی گھسائی گھسائی سے خوب
بلہ جلا دیا کرو - تاکہ خوب حل ہو جائے - مگر
سودا گامشک بہت جلنے والی چیز ہے
اسلئے ہمیشہ احتیاط رکھو -

(۱) دوسرے دن تینوں تیل ملے پھر دو اور پھر اس
تیلوں کے مرکب میں میدہ بھی ڈال کر کسی گھسائی
کے کچے حصہ پھر ۲ گھنٹہ یہ ایک بڑی جہی
جنرین جائے -
(۲) ایک چھانک - بانی میں وہ نمک محول
سودا گامشک کے پتے میں ملو اور خوب
بلہ د جلا دے -

دیگر گرہ سیاب - گیسو سیاب - بیکولہ - دودھ ہزار دانہ
آب از دھرتی - بیج باد کو تھالی جو یہ دیدہ باز گیسو سیاب
بیج انار نختہ از دھرتی جو یہ دیدہ تھالی خواہ شدہ
دیگر از رام چند گیسو در تھالی سفید و دھاتی اس سے

آب از دھرتی - کر فتنہ جو یہ دیدہ باز گیسو دھرتی
از دھرتیان ہر تھالی ہوا آتش ۵ انار خام دیدہ
سفید شدہ بر آید

برائے باد دیدہ - سفید و دھاتی - لکھنوی دھاتی
ایسی را خوب سے سفید و سفوف کند بآب اور دھرتی
لکھنوی ہزار دانہ بآب - دھرتی - بیکولہ - بیکولہ
یا گشت از بادی دھرتی - بیکولہ - بیکولہ - بیکولہ

کشتہ ششرف

ششرف - دنگ

دو گنٹھ کے قریب آگ کی طرح پھیل
درمیان سے کھجور ششرف بنے اور
دنگ دیکر رکھ دو اور اوپر درہ آگ
کا جو لکے دیدو۔ اور قدرے مٹی لگا کر
رکب من میں گشتی آگ دیدو۔ ششرف
سفید ہوگا۔ خوراک کم رتی لینے پر تھا
حصہ رتی کا مکھن میں دیوی۔

کشتہ ششرف دنگ

ششرف روی دو گنٹھ آگ کی دودھ میں لٹکا
رہے آگ جلد دی۔ جب خشک ہو جاوے
ششرف نکال کر روغن زرد میں سرخ کری اور
کھول کر رکھ دی۔ خوراک آٹھواں حصہ رتی
کا مکھن میں دی۔

کشتہ ششرف

کشتہ ششرف

جمال کی کشتہ ششرف خانی
ہر دو گنٹھ باریک کر بد روئے تپال جستر تپال نکالیں
اور ششرف کو چرب کر دنگوں کی آگ دیوی
ہیہ تیار ہوگا۔ خوراک چوتھا حصہ رتی کا مکھن
میں دیوی۔

کشتہ ششرف

کشتہ ششرف تپال
ششرف - تپال - آملہ سار
دنگ

میتوں جہیز میں محالی کی تپال میں اچھی طرح
میسے کھول کر دنگ ششرف بنا رکھیں۔
مرضی گشتہ آگ کے ایک تری قند کیا
میں اور جہیزان والے دنگ کی آٹھواں حصہ دی
تپال دنگ کو بھی بھجوا دے۔

سم الفار۔ گری بادام۔ اندر کی ہفتہ۔ کوزہ مہری۔ لکھن آباد
میں گدیاں متغی باکیا رہی۔

برای کلاه دی
 یک سفید برک اک برکتنا بر سر معلمه
 عرق دار گندل - برکت را کفیه و عرق را
 ریزه ریزه نموده در برکت یک
 مذکور انداخته با لای آن عرق دار نموده
 اندازد و درین کلمه باره گفتم نموده
 بپسرد که بهر و نیز آورده نگاه دارد

برای آب جاری چشم و آماش آن
 گوشت کله طبری خالی پخته از بنوق پیل دراز
 بر دورا خوب آسیاده و کحل بکند تا بهشت
 ولیده یک میل در چشم کند -
 برای باد فرنگ و آله نسیه امان التبع
 و است بنج آرند خوب کفیه و بنجته و سه ماشه کفیه سرته
 و سه ماشه کفیه سفید و برکت بنج یا برکت خنجر و ب نموده
 خوشانده کرده غرغره بکند تا سه روز

اللهم یا قهار یا القهار یا القهار
 فی قهر قهرک یا قهار
 سه سه مرتبه همراه کفال بخواند دم کند

برای باد فرنگ
 زنگه بر سر منزه جمال گوشت - بعد از پنج بار آورد کند
 ۲۰ بار
 چمبر کرده بغیر مذکور در میان آن را انداخته گوله
 لعل لبها مرد و در آتش نرم پخت بکند و
 آرد گوله سه بار بشود بر آورده سرد نماید و بیدام
 قند کینه گرفته بر دوزخ آن منجمه سه سه ماشه تا دوزخ
 ماشه و یا کم سه ماشه گولی کرده نگاه دارد و یک گولی
 بخوراند - و ماده خون آلوده صغیر و الی گرفته سرخ
 خاک آن را بر زخم آن به باشد و اگر اثر نکند اول
 روغن زرد را بعد آب کشته بر زخم لست کرده
 و خاکستر آن رو به باشد و اگر بوی آمیده باشد
 از زخم برکت بنج را در آن (آگ یا آب) و شش

۱۲۱
 برائے آتش خواہ کرڈ - گری سر طرف فی اہر شد گفہ
 پلیدہ بیاہ زرخ - بندہ تجو حقه بہت سر
 سوز لہ - تم مانہ - مانہ
 در آب یخوں یک شمار کجھل نمادہ دگولی مقدار خود
 بہ بند و بخوراند -

دوہرہ برائے تسواہ
 تما کو لہ پادہ کونک کسیر رتیاں چار
 ایک رقی کتوری ہاون بنیادے نسوانہ
 برائے بادفرنگ سیاب اجوائن
 باب چاہ تمام روز کجھل نما میر کہ پیدات شود
 بعد آب نہ لگوے بہ بند و یک گولی ہمارا
 حیرایت صبح بخورون بد تہ - سچہ ہیز و ہفت الہی
 بخورند - انا بے نمک و از بادی و ترش اختیار کنبند
 الفنا برائے بادفرنگ و انہ
 دیک قند کہنہ ہر دو را کو فہ و ہفتہ سہ گولی بندہ
 صبح - ہاریب باب گرم بخوراند تمام آند کشن ہر ایدہ

۱۲۲
 از حضرت صاحب فقیر پور جتوئی
 بچے سوختے جانے کسے پانی دم کر کے بند و اور نمند و عمدہ
 زری پیاس کی شدت اور تالو کی بھیر بھیراٹ کسندے -
 اسٹال رو کونف گاسنی کیشتر آملہ اور معری بقدر
 ضرورت ایک برتن میں بھجور بھی اور تھوڑا تھوڑا پیاسی
 میوہ ہونے پر بندے جادے -

الفنا - خشناسن تھوڑی سی کسیر مصفا کرے دودھ میں
 لکھو دودھ - دودھ تازہ ہو کر انا ہو (انہ سو) - دودھ داؤں
 کے ادھر رہے پچھلے یا زیادہ عرصہ میں دلتے ریشہ کی
 طرح مدد ہو جائینگے اسے بعد ان کو خوب اچھی طرح
 سے دندا دندا میں گھوٹ لو کہ بالکل دانے نہیں رہے
 مثل دودھ کے دودھ گائے یا بجنس میں حل ہو جائے
 بھر پانی گھوٹتے وقت تھوڑا ڈال لینا یعنی اگر
 پتلی گزے کا خیال ہو تو ڈالتے جاتا کچھ عرصہ دودھ میں
 گھوٹنے کے بعد کچھ کچھ دودھ کچھٹ وار یا لہ میں ڈال
 لینا - اگر کماڑی پیسی ہو تو پانی ڈالنے کا ضرورت
 نہیں - اگر خیال ٹھنڈی - سننے کا ہو تو ٹھنڈی ورنہ
 گرم کرلو - سردیوں میں گرم اور گرمیوں میں ٹھنڈی خشناسن
 زیادہ بخورون ہوگی - یہ خشناسن صحت دہندہ

و طیفہ تر ہے سے دماغ کا کمزوری سر کا تھکان و تشاء الہ
 آرام رہیگا۔ ضعف بھر کی دہمہ مفید ہے۔ جن کو
 بڑا ہے میں دکت یا بار بار پاخانے آتے ہیں ان
 کو مفید ہے۔ اگر گھٹائی نہ وقت سر کی دہمہ
 میرہ یا منقہ نہ دانے نکال کر داخل کئے جائیں
 خندہ (یا اعد) کی اور بھی اچھا ہے۔
 بادام ۴ منہز بادیاں کا مہنا اور گھٹ کر سینا لگی عمر کا
 بروی لائن کا۔
 زشادہ اور ان پچھ در نہ بان کا چنا باج مہر سر گھٹنا
 سر درد بلغمی و کمر کا درد کی مفید۔ ان پچھ چنا مہنا
 اچھا ہے۔ ناک و آنکھ سے ریشی و آنسو خارج ہوا
 دماغ سے بھاگتا ہو جائیگا۔ کوئی ایسی چیز مہدی جائے نہ
 جس سے تیزی و تشادہ در نہ ہو جائے۔
 کاقت و برکت و دماغی بھی ہوئی جائے۔
 درد شریف تنجیا پانی یا سیل پر دم کرنا۔ بسم اللہ شریف
 و درد شریف منہ پر دم کرنا۔ بسم اللہ شریف بار بار
 بوالکیر نہ کرنا۔
 زعفران و گلوت یا پاک سیاہی سے

ناک دہمہ سے نرم زکام کا پانی پانی دہمہ
 دودھ کی سے دو دست ایک سے ایک تر نہ دھو
 بروی عمر کا۔
 تازہ دہر بھینس گائے کے اسے اولے بناد۔ دہر بالکل
 ہی تازہ ہو اس میں ٹھانے وقت اندر رجا لگائے
 دانے شامل کر دو۔ ایک بھینس میں رکھ دو اور
 خیال رکھو کہ اولے سوکھنے نہ پائیں۔ پانی برابر
 چھڑکتے رہو۔ چند دن بعد دانے اک آگے
 لئے تے۔ اک کر باہر نکل آئیں۔ ان پتوں کی
 بھینس نہ نکال دو یہی زہر تھے جو کہ اس طرح سے دور ہوتا
 اب دانے جو پھول گئے ہوں گے پھر معروف
 دودھ میں نکالو۔ یہ چال گاہ مہر آ از زہر و
 تکلیف سمیت ہے بلکہ اسی حدت و تیزی بھی
 کم ہو جاتی ہے۔ (ستاکم) دتلخ نہیں رہتا۔
 پھر اسے آگے جسے چاہو بنا کر کو نہ مہر و
 یہ بھی کیا ہے۔

آدمی الحسا
 دیو

حب عجب - خاشاک کا کھدے

حب یوسفی
ہنے حلوا آدہ پاد کا محاذ کچھ دیر پھر ایک گلی مالہ
مکھن یا حلوا سے نکل جاوے - دانوں کو نہ ملے نہایت
خردی ہے - خوراک تر محاذ دودھ لگی دافر - خوب دافر
۱۲۱ حد ۱۲۱ دن - گشت لگی ڈال کر
ہر سبز کھنڈا - تیل - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - باہر باد دی

پھوڑا شدہ جو سنت ہو اور نہ پھوڑے

دال ایک سینہ کے کر خوب لکھو کہ مثل حلوا
ہو جائے اس میں ایک دانہ جال کے گاتہ لگا کر ڈال دو
۱ - کھنڈے سے دو گھنٹہ تک پھوڑا پھوٹ کر بنے تعلیم
۲ - کھنڈے میں مدبر شدہ دانہ گھوٹ کر دو
دست خوب آگے
ڈنڈا پھوڑا شفاف کر دو دھکے لگا کر خوب تعلیم
اس میں پانی دال بہتر ہر کھیلے دال کے کر تارو
اس میں تھوڑے کچھ دال کو زیادہ تر زنا اس میں تو اس پر
کلیا لگا کر دھوٹے - دو پٹ پھر کھنڈے دو - دست و
خوب آگے - اراخی پیٹ میں پھنڈے -

حبی و حبیب نہ ملے خرد در لکھا -

دنیانہ پیچیدہ مغز الدی خرد بادرم ۱۱ سے ۱۲
۳ ماہ ۳ ماہ ۳ ماہ ۳ ماہ ۳ ماہ ۳ ماہ
گچی کا ربانی بقدر سپاسی ڈاکٹر معری دتسی ڈال کر
نوش کر و - دماغ کو خوب کھنڈے -

دنگور ۲ صبح - ۸ گھنٹے پھر چار گھنٹے (رشتا)
۳ ڈنڈ ۳ ششک برادر ۲

دس صابن ۱۰ - ۱۲ رر کے یا ۲۱ - ۲۲ رر کے
ریختہ " " " " " " " "

۱ - اور کھنڈے پھیل چکی - ۲ - شکی عبر ڈال کر
خوب حل کر کے کھانہ لگا دو - پانی نہ ملے
۳ - ورنہ کوی اتر نہ ہوگا - پانی نہ ملے
۴ - کچی سے ۸ - ۹ دن لہر دی
۵ - اتر لگا کر پانی پر مینا شدہ خردی ہے

۱۱۱
 اور اگر درد و اوپر ایلے جن دو کسین بنے
 سرگز نہ ایلے چنانہ آگ دنیا ورنہ
 دوائی جل کر راکھ اور ضائع ہو جائیگی
 آج دھیمی دھیمی ہو جب اولے کھندے
 ہو جائیں تو دول نکال کر جہنم اتار کر
 دیکھو نوشادر ل جو سر ملکھوں میں سرایت
 کر گئے ہونگے نوشادر کو کھرجے کر اور
 ملکھوں میں کولے کر فوب باہم پیس کر
 حل کر کے شیش میں بند کر کے رکھ لو۔ علی البصاح
 خالی کالیے سوئی نہ تھے سرد دوائی رکھ کر ۳۲ الکل
 دیسی کھانڈا مندر رات د باسی پانی سے ملنی
 و دوائی کھد دو۔ ۳۔ ۷۔ ۱۱۔ ۱۵۔ ۱۷۔ ۱۹۔ ۲۱۔ ۲۳۔ ۲۵۔ ۲۷۔ ۲۹۔ ۳۱۔ ۳۳۔ ۳۵۔ ۳۷۔ ۳۹۔ ۴۱۔ ۴۳۔ ۴۵۔ ۴۷۔ ۴۹۔ ۵۱۔ ۵۳۔ ۵۵۔ ۵۷۔ ۵۹۔ ۶۱۔ ۶۳۔ ۶۵۔ ۶۷۔ ۶۹۔ ۷۱۔ ۷۳۔ ۷۵۔ ۷۷۔ ۷۹۔ ۸۱۔ ۸۳۔ ۸۵۔ ۸۷۔ ۸۹۔ ۹۱۔ ۹۳۔ ۹۵۔ ۹۷۔ ۹۹۔
 پھر انشاء اللہ بیماری نہ ہوگی عام و کفر کہتے ہیں
 کہ دماغ کلمہ یا جاتی سے خون چمک رہی ہے

۱۱۲
 ۲ درد گردہ۔ باعث رجوف بول و بیاض
 کمزوری گردہ کہ ہوتا ہر کہ شیب بوری ۲
 سے خارج نہیں ہوتا۔ موثر گھات لینے
 حوہ قوہ یا جلد جلد بول آنا۔ یا خامہ تر
 ہو جانا۔ موثر کر جھ لینے رک رک کر
 شیب ہونا یا دیر سے قوہات بول
 نکلتا۔ بول جن سے آنا۔ گدہ آنا۔ گردہ
 مشانہ کی خرابی و کمزوری کئے اثر رام چند
 تر لحن شیدا۔ دولت پڑ بہتی رام۔ دیدار
 تبارک آرمودہ۔ ہیشاب نورانی طوری
 ہر دن رات میں ۳۔ بار آئے۔ پورا
 عمل کر آئے۔ پادہ اور بار بار آئے
 مگر وہ مشانہ میں قوت۔ درد گردہ
 ہلکے و کمزوری آرام۔ آرمودہ
 بخار یا پادہ وغیرہ

نسخ السی ۶ یا ۷ ماشہ کے کر ایک کورہ برتن ۹
 یا کوزہ گلی میں میں تازہ پانی ڈال کر لھکر
 دو اور روپر کھرا یا پختہ قلیل کر رکھ کر
 ہوا میں چھکا وغیرہ سر رکھ دو صبح اللہ کر
 پانی عکدہ شمار کر سچیر کا وندی اور دندے
 سے کہ جس سے کھٹ مرے نہ گھٹا گیا ہو
 خوب کھوڑو۔ السی وقت بہت لیتی ہے
 جلد نہیں کھنسی۔ گھٹتے وقت پانی
 نہ چھنٹے دیتے جایا کرو۔ جب خوب
 کھٹ جائے ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ پانی نتھارا
 ہو اس میں کھوٹے میں ڈال کر منہ
 بعد میں تازہ تازہ کھیر بکری کا یا
 مہری کوزہ یا مہری یا شکر یا سی یا
 کھانہ شامی رو

ماشہ ہر گریانی سے سول دروید دور

اور اسی وقت جی جاؤ۔ ۷ یا ۱۱ یا
 ۷ یا ۸ یا ۹ بعد ۳ دن چھوڑ کر عرسات یوم
 یا ۱۲ یا ۱۳ بعد ۷ یوم چھوڑ کر عرسات یوم
 استعمال کرو۔ مونا کو نشہ وغیرہ
 چرمنٹ سبزی۔ آب۔ نخود۔ کھنکھ
 وغیرہ کھاؤ۔ الشاد اللہ آرام ہوگا
 ابراہیم خاں کھانے ۱۰ بعد ہیٹ میں گرانی
 کت اجوانی قدے بچہ چینی پر یہ
 کھد دیا کرو۔
 آنت ہر آنت حرا ہے تو ریح شمس اذو یا
 مرزا علی۔ دیولے کتے کھٹے کو اسے جلد کر
 اسکی خاستر چھکے کی بھر چھوڑا خاندہ
 پانی سے دشا۔ ہاکی مرہ۔ کالہ
 آنت سائیں داس۔ ہاکی مرہ۔ کالہ
 اجوانی چھو یا وائے بازہ بکری کا یا
 کھانہ شامی رو

دھو گریں لپٹ کر چھکا میں لٹکا کر دھو

سرمد خالص و مصفٰی نرنبہا تہ ۹

لم دالہ اعدو

تہ ہا پانی نکال کر اسے چنے دیا نہ مصفٰی میں
 دال کر اس میں فضل سیاہ اتنی ڈال دو کہ پانی
 میں وہ بخوبی بھست جائے۔ دو تین یوم
 میں پانی سوکھ جائیگا۔ کتیں ہیا نہ میں
 وہ برابر لم یوم ڈھکھارنے دو
 بعد گزرنے لم یوم ۱۰ ہلے کھل کر صاف کر
 دیو رستھا کر مر جس سرمد سا پس لو۔
 بعد شش خود وزن برابر نو شاد تلی دال
 کر کھل کر دوا خیر میں سرمد پتھر اٹھوڑا
 دال کر کھل کر تے جاو دتا آنکہ سارا سرمد
 دوا کی سرمد سا ہو جائے۔ رات کو سوتا وقت
 ایک ایک سیدی۔ پانی جانے دے مصفٰی
 دیند۔ عبا رکھی۔ نگاہ و صاف رکھ

کبھی کبھی سرمد گھانا چھوڑی بھی دو۔
 دوا کشی میں پانی گرنا اچھا ہے ورنہ صرہ
 یہ پانی رک رک کر کھلا اور فراہی پیدا کر لیا
 اور صرف عکب ہی صبح ہے
 جانب دین۔

۱۹ متناہ شقہ رات کو سوتے وقت سرمدوں
 خالص ایک ایک سیدی آنکھوں میں
 دالو۔ نفا مثل جیل دے دیگی۔

آنکھیں کبھی نہ گھٹریں۔ آرزو دہا
 کبھی کھانا خود سرمدوں چھوڑا خالص
 اور قورے لے کر کبھی۔ بخوبی
 دانہ صبح

صبح محمد کنن مزوم - در درگاہ - الس کوٹ مار
 اس کا اٹنا ہلستہ مقام دروہر لگا د
 آرام ہو گا - یعنی تپا لیر ہر لگا ر
 لیر بہن ہر رکھنا اور انس والی طرف
 اور رہے - اسی طرح سرسوں کا ہلستہ بھی
 لگا دے -

مرہ ہلستہ مرہ ہر ہر اور کا قند
 صبح کھا کر باہر نکلی - صنف معہ
 وغیرہ کو مفید -

دودھ - دہی اور زیادہ لگی سے ہر سبز

✓ چاند شاہ

✓ کثرت گوشت کھانے اور بعد میں انہر اسے چانی
 لسی لکھی وغیرہ کی پسنے سے بد لکھا لسنی کہ جسے
 داکٹر صبح سہل دق سمجھ کر دیکھتے کہتے تھے از مشا
 نورستہ شہر تارا میرا چند نوم کھانے سے آرام کلی حاصل
 ہو گا - ابا جبرائیل شہنشاہ صبح سے لم ایام

✱ بابا جیح کو مار

ہر تال زرد کوٹے کر کوٹ لو - اسے ساتھ ہم از ہم
 ہر سالہ ... ورنہ سالہ جتنے ہر انے ہوں
 بہتر ہے ہر سٹھے بکھ چہ وں کوٹ کر سرہ
 سا کر لو یا دیکھ جتنا ہر سٹھے ہرانا ہو گا اسی
 قدر زیادہ لیس اس میں ہو گی اور جتنی
 زیادہ لیس ہو گی اتنی عمل میں مفید فائدہ مند
 ہو گی - اگر لیس نہ چوٹے یا کم ہو تو اس میں
 آگ کا دودھ شامل کر لو - پھر
 نف ہر سٹھے نیچے اور نف او ہر رگہ
 کہ در میان میں لگی ہر تال کی رکھ دو
 اور محاف کنندہ ابراہیم لکھد رگہ لکیر لیری
 لے کر اس میں گندہ رکھ کر ... اسیر او ہوں
 کا آف دیدو - ہر تال مفید و اید شد
 وہ - کھا لسی - بخار کو بہت مفید ہے

۱۹
 کشتہ فلدورہ آں - برائے ضعف مردہ و جگر
 کثرت بلغم - کھانا فوراً باغیچہ ہو اور رات
 سرخ - خون کثرت پیدا ہو - ۱۰
 ایک مکمل بند و تان سے ایسی منہا و کھن میں
 کوئی چھوٹے سے گل جائے اسکو چند عدد
 لے کر بنالہ کھلوں چینی میں پھونکا
 اور ریزائے آں یا فولاد ڈال دو کعبہ
 نیچے و چھتکوں - ۲ اور اوپر سے دانت دو
 جب دیکھو کہ کھل کر جسم ہو گیا ہے تو
 حملہ و بیج بھینک کر پہلے اسے کھلی ہوئی
 سرخ شاخ والی میں کھل کر - بعد میں لوتیا سرخ
 جڑ و والی میں کھل کر - پھر سہنیا
 کھول دیاں میں - پھر باقی موٹی دیاں
 پھر کھوار گندل میں پھر تر کھل دیاں میں
 حیات - جان میں - پھر ایک کوزه

۱۲
 میں بند کر آگ دیدو - جب کوزه خوب سرنے
 ہو جائے اور آگ سے بدل رنگ کھلے تو
 اتار کر سرد کر دے کمال ہو - ایک ختمش
 سے ۱/۲ جاول و راک صبح مسقہ یا تباثہ میں
 رکھ کر کھالو - بعد میں ۱/۲ پاؤں دی اور بار
 پھر دو دھوا دھوڑا مانی ہو - پھر بھوک
 لگنے پر بار آگشت خوب ۱/۲ پاؤں کھال کر
 صبح اور آتشی شام کھالو - بالائی
 ملخن اور علو امرغنی کا کثرت استعمال کرو
 نئی گندم کھنڈا کھالو، جو ابی دانہ پڑا نہ ہوا جو قدرے دھو کر
 تھوڑے در در ہر ہر ہر - در سے آرام - بار دھنک شرم ہر ہر ہر
 اوپر نہ کھنڈا ہو - بار دھرا کر دیے - کھنڈا سے کھنڈا بار
 کھنڈا - کھنڈا ہو جائیگا - ام ماہ لہر ہنڈا ہر جان سے بار
 موکھ شرم ہو جائیگا - پھر ۱/۲
 کشتہ بارہ سگا آگ میں - کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا
 جو دھنڈا در کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا
 کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا
 کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا کھنڈا

چاندرا رام چاندے کا - چاندرا پیر پیر کا - دھولز دھولی مائیں گدھا۔

ترکیب - زمین پر ایک گہرا اتنا ڈائیں جس میں چنبرے کے اثر دالاکہ اُسکے۔ پاس ایک گہنا چکنو خوب بجائیں۔ تھوڑی دیر بجانے کے بعد اوپر دالاکہ پانچ دفنہ بڑھکر زمین سے تھوڑی سے نیچے اُس پر چھوٹک ماریں۔ پوے می چنبرے والی جگہ پر دھوڑیں اور ساتھ ہی یہ بھی کہیں کہ بے مراد۔ کتیا - بے نیا پل - بد تحجیل - یعنی ساتھ کمال دیکھ کہیں کہ چل۔ چنبرے دالاکہ اٹ جائے گا۔ چنبرے کا اثر زایل ہوگا۔ اس طرح تین مرتبہ تک دم کریں۔

اگر چنبرا پیرا پورہ دو دفنہ دم کرنے سے اثر نہ ہو تو چھتا ندر سے بھا کر دم کریں۔ انشاء اللہ آرام ہوگا۔

ڈب کا دم

ایسی چھتا نما زحرا اللہ حصا مرد

ترکیب - اس دم کو پانچ پانچ مرتبہ ہر صبح ایک سوے کی سلائی یا چاقو کو مرائیں کے جسم کے اوپر سے لاکر زمین پر بھاڑتے جائیں۔ ایک دو دن بعد رشام یہ دم کرنے سے انشاء اللہ آرام ہوگا۔

فوتو کاپی مجلد

کامل حصہ ۳

حکامیات

(اردو)

ایک غیر مطبوعہ قلمی کتاب کا عکس

مصنف کی ہدایت

یہ کتاب نہ کسی کو دکھلانا چاہیے اور نہ چھپانا چاہیے۔ نہ کسی کو دینا چاہیے کیونکہ اس میں خاص چیزیں ہیں اور ضروری پیری اولاد کیلئے ہیں۔

حصہ اول میں عملیات کے ابتدائی قاعدے ہیں۔

حصہ دوم میں ہر ضرورت اور ہر کام کے عمل ہیں۔

حصہ سوم میں جن پری بھوت پریت کے قابو کرنے کے عمل ہیں اور علم جبر کا قاعدہ بدوح نیلین کا عمل ہے۔

★★★

ندی کنارے رکھڑا تے ہندے ملونت -

لوٹ - پکلوٹ - ہندری - کھرا - بُرنائی - نقن ٹلیا ملونت -
پاچے پڑے بھسونت - ساڈی سگت - گورو کی بھگت -
بھوڑی - کم سہی - ہنڈے آپ اللہ تے محمد صاحب کرے -

ترکیب ایہ نقن ٹلیا کے علاوہ باقی سب کیے دھڑک کی کدڑی
کو مرین کے چہرہ پر دیکھ کر دم کر کے بھاڑتے جادین
تین چار مرتبہ کرنے سے انشا اللہ آرام ہوگا -

2 - اگر نقن ٹلیا ہو تو اگر عورت کا دائیاں نقن ہو تو
دم کر کے اپنے بائیں نقن کی طرف بھونکیں - اور اگر
عورت کا بائیں نقن ہو تو دم کر کے اپنے دائیں
طرف بھونکیں - انشا اللہ دین دفد دم کرنے سے آرام ہوگا -

3 - اگر ہندری کا دھاگہ کر کے دینا ہو تو ایک کالہ رنگ کا
گنہو دھاگہ لیں - پانچ دفد دم پڑھ کر دم کر کے
ایک گنہ دھاگہ دین ڈالیں - اس طرح پانچ سات گنہ
کا دیں - دھاگہ تیار ہے - گلے میں ڈال دیں -
نزلے دھاگہ بھگے ہیں -

بان وے سوئی راہی تے راہی جائے ملونت - ملونت کے
کتے بیٹے ہار - تسیا - چوکا - پیٹ پیڑ - تسسرا -
ادھا ہرا بھوڑ جائے -

ترکیب :- ایک انگلی اند انگلی سے مالتے کو دبا کر جس طرف درد
ہو اس طرف کو انگلی سے جا کر بھوڑ کر دم کرتے جائیں -
بمقام دم کرنے سے انشا اللہ آرام ہوگا -

بھوڑ کے کاٹے کا دم

کوری کوری گان - تے کورا کورا کوچا - چنگدے چنگدے نے کیا گودا -
وچوں نکلیا بھوڑ - دس او بھوڑ اپنی ذات -
چار کالے - چار قبیلے - چار گنہ رنگے - آدھی گا مور -
ڈنگ لوسی گاتوڑ - چھوڑ او بھوڑے آ نکاں چھوڑ -
ترکیب :- تین مرتبہ دم پڑھ کر بھونکیں مارتے جائیں اور کدڑی یا بوجے کی سلائی
سے ادھر سے نیچے کی طرف ڈنگے والی جگہ کی طرف بھاڑتے جائیں -
تین چار دفد دم کرنے سے انشا اللہ آرام ہوگا -

جس شخص ایک کمانے رنگ کا دھاگے ہیں۔ اور اِنَا اَحْمِلُکَ الْکُشْرَ وَالْاَیْتِ
 پانچ دفعہ ہر صبح ایک گمانے دیوین۔ اس طرح پانچ گمانے دیوین۔ دھاگہ تیار ہو گا۔
 جس شخص یا جانور کو زہر باد کی شکایت ہو یہ دھاگہ کسی چیز پر بند کر کے اس کے
 گلے پر لٹکا دیوین۔ انشاء اللہ دو تین دن یہ خایہ ہو گا۔ یہی دم کر کے جانور
 کو آٹا یا چارہ بن کھلا دیوین خایہ ہو گا۔ انشاء اللہ

دھنیا سے حمل کے آسانی کا دوا

حمرا داد ہمارا خمرہ داد عورت
بہن
بہری دیوہ حملہ پئے یا نہ پئے

جب مادہ کو دردوں کے باوجود بچہ پیدا نہ ہو یا جانور پیدا نہ ہو کے بعد
 وجود نہ چھوڑے تو ادھر والا دم چرنے کی مائل ہر تین تین بار ہر صبح
 گمانے دیتے جاویں۔ اس کے ساتھ عدد گمانے ہر جاوے۔ یہ دھاگہ جانور
 کی اگلی دائیں اور عورت کی دائیں ٹانگ پر باندھ دیں۔ حقہ حل ہونے پر
 فوراً دھاگہ ہٹا دیوین ورنہ ادھر دیوہ سب باہر آئے گی

سعد رات کو سوتے وقت یا فتح یا علیہ ۱۵۱ دفعہ ہر صبح کسی سے بات کرے
 بغیر سو جاویں۔ جس فقہ کو یہ نظر رکھیں گے اس کا ممل رات کو نظر آ جاوے گا۔

از نادر سائیں کی آبادی کاغذ کا دوا

(۱) چندرا - لوط - چنبل و گھیر کا دھ
 ندی کنارے کو سوچی چار پونگڑے جاوے۔ تین تین بار ہر صبح
 چندرا - لوط - چنبل تے گھیر
 صدقہ حسن حسین دے چارے بھڑتا بھوت ہو گا۔ دو تین دن میں آرام

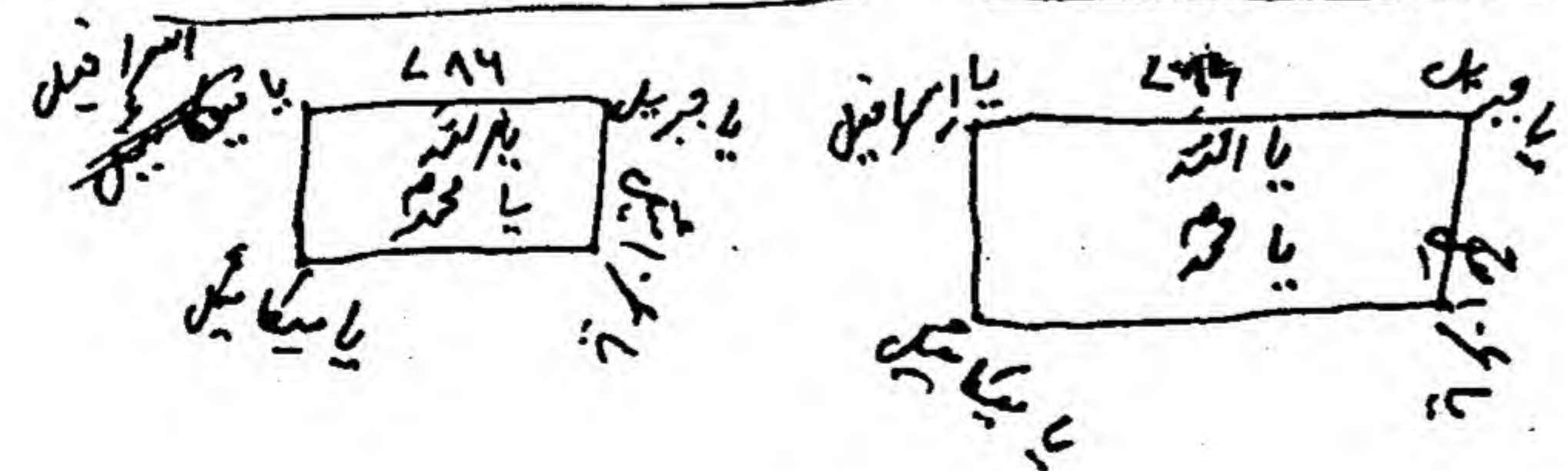
(۲) ندی کنارے بائیں
 اکھ آٹیاں - نما پھیلے - لوط - رتی تے کھیرا۔ ایسا
 صدقہ حسن حسین دے کجے بھڑتا بھوت

ہر اسے زہر باد

(۳) اگر کسی انسان یا حیوان کو زہر باد ہو چلو تو
 قل شریف کی آیت کو آٹھ دن تک روزانہ تین سو دفعہ درد کر کے چلے لکھ کر
 جب کوئی زہر باد والا آوے تو اکیس مرتبہ قل شریف پڑھ کر تین مرتبہ
 دم کرے اور کسی سگری وغیرہ کو اس انسان یا حیوان پر پھیر کر
 زمین پر چھڑاتے جاویں۔ چند دنوں میں انشاء اللہ کھل آرام ہو گا۔

در شقیقہ یا آدھ سر کھار درد شقیقہ یا آدھے سر کھار

از لہر رومی دالا



۱۲۹
انگریز کے حساب سے اعداد

و	ب	د	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

۱۶۲۶
۹۳
۱۶۲۵
۵۶۵

برائے آریب

۷۸۶

۲۵۹	۲۵۳	۲۵۷
۲۵۲	۲۵۶	۲۵۸
۲۵۵	۲۶۰	۲۵۴

برائے درد کبلی

۷۸۶

۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷
۱۲۲	۱۲۱	۱۲۰
۱۲۵	۱۲۴	۱۲۳

جھوٹے بچوں کیلئے

۷۸۶

۸	۶	۴	۲
۲	۴	۶	۸
۴	۸	۶	۲
۶	۲	۸	۴

یا شیخ شیخ فداؤن

بار و بند

اج درس میں لکھ کر

برائے روح دکان

۷۸۶

۲۵۹	۲۵۳	۲۵۷
۲۵۲	۲۵۶	۲۵۸
۲۵۵	۲۶۰	۲۵۴

برائے اللہ

۳۳۵	۳۳۳	۳۳۷
۳۳۲	۳۳۶	۳۳۸
۳۳۵	۳۴۰	۳۳۴

برائے اللہ

شیراد نمرود
قارون فرعون

برائے درد

۷۸۶

بسم اللہ تعالیٰ	بسم اللہ تعالیٰ	بسم اللہ تعالیٰ
بسم اللہ تعالیٰ	بسم اللہ تعالیٰ	بسم اللہ تعالیٰ

فیکینک الحمد للہ و تعالیٰ

برائے حب

اول اکیس عدد غلغلہ پیاہ لین۔ ہر ایک غلغلہ پر تین تین مرتبہ
کلمہ طیبہ پڑھ کر دم کریں۔ اور آگ پر ڈالتے ہادیں۔ اکیس روز
تک انشاء اللہ تمہارے مطلوب لالہ کا فرما بندہ دار ہو جائے گا۔

دیگر برائے حب

صبح کی نماز میں قرین اور سنت کے درمیان ایک سو بار سورہ اخلاص
محکم بسم اللہ شریف یا تصور مطلوب اکیس روز بلا ناغہ پڑھیں۔
اول و آخر میں گیارہ گیارہ مرتبہ دود شریف پڑھیں۔
کپڑے خاف رکھیں سر خوشبو کا استعمال کریں۔

دم درد دانت

با وضو جائے پاک پر یہ سات حرف کھف حوقف
تکریر کریں۔ اور پچھ حرف ہر مینے آہنی رکھ کر سورہ بسم اسم
رہب آلا علی سات مرتبہ پڑھیں۔ اور مریض سے دریافت
کریں۔ جس حرف ہر باکرہ آقا ہو اس حرف ہر مینے
کار دیں۔

۱۳۴ برائے حب

کسی معمول۔ یا روٹی یا شکر یا مٹائی وغیرہ پر سات مرتبہ پڑھ کر
دم کر کے مطلوب کو کھلا دے۔ انشاء اللہ محبت ہوگی۔ دو تین مرتبہ
رکعت ۲ سورہ ما کان محمد ابّا آخہ من رجا لکم و لکن رسول اللہ یا ارحم الراحمین

برائے حب

سائیں عاشق تلی

۴۱ دن تک متواتر روزانہ رات کو ۱۲ تیسج "یا غلطی" پڑھ کر
جس کو حب کرنے کی خواہش ہو اس سات مرتبہ "یا غلطی" پڑھ کر
رہبری یا جیسی وغیرہ پر معمول مار کر دیں کہ وہ جس سے حب کرنا چاہے
اسی طریقہ سے اس کو کھلا دے۔ مطلوب کا بلے ہوگا۔

اور اگر "یا غلطی" سو لاکھ دفعہ پڑھ کر جلد میں جادو تو عامل
جس کام کے متعلق چاہے مطلوب کام کا تصور کر کے کھونٹ مار دے
انشاء اللہ مقصد حاصل ہوگا۔

برائے حب

مستقل کتاب شاہ شاہ
۱۳۵۱

(۱) خاک زیر پاخے مطلوب اور اپنے بائیں پیر کی خاک لیکر پھر اس آیت کو سات
بار پڑھے اور اس کو کپڑے میں باندھ کر لالہ اپنے پیر سے دبا دے۔
انشاء اللہ مطلوب بہت جلد دیوانہ وار یا بہرہ مند ہو کر حاضر ہوگا۔ وہ آیت
یہ ہے۔ "نور اللہ علی خلق السموات والارض فی رستہ ایام"
(۲) واسطے حب کے اس نقش کو لکھ کر مطلوب کے گویں دفن کر دے۔ بخت
اس کے درمیان بہت ہوگی وہ نقش یہ ہے۔

نور	میر	اللہ	آدم
اللہ	اکبر	رحم	بیکہ
نور	نور	نور	نور
بین	لا	مقدور	آدم

اتوار کے دن نقش کا کہ چرخ پر باندھے اور سات مرتبہ گھما دے
 کھا گا مہر جلو آدے۔ نقش یہ ہے۔

۷۸۶

يا بده

يا بده

يا بده

يا بده

اِس نقش کو مکہ کرمخاف پیر باندھے۔

214			
1	40	414	4
4	4	4	410
1	412	122	40
2	4	4	419

گنا گنا - پھر ونا - نہ نہ ایدا خان - میرا کمر ایسے مان کرے -
 حلقہ کو جب دیکھو اس کو حلقے کے کمرسات بار بار پڑے
 نوٹ - چایس دن کب روزانہ بلا ناخ کو صوفیہ پر در د پڑ جب یہ پانی چلتا ہوں کے
 کتا رہا بیٹے کر چل کر رہا - جب اتر کر رہا ہوں

يَا قَلْبُ الْقُتُوبِ قَلْبُ الْعَالَمِ قَلْبُنَا
 إِلَهِي بِحَقِّكَ نَحْبُوتُكَ بِكَ نَبْتَغِي
 الشُّكْرَ مِنْكَ اللَّهُ لَا
 يَا رَحْمَتَكَ نَبْتَغِي

عشاء کی غار کے لیے مسجد میں بیٹھ رہا تھا۔
 اسی وقت سے ہی یہ رسم شروع ہو گئی تھی۔
 اس وقت تک کہ پڑھیں۔ سنہ دو ہجری میں ہی محبوب خود بخود آئے گا۔
 یا قَلْبُ الْقُلُوبِ قَلْبُ مُحَمَّدٍ (اس کے لیے محبوب کا نام اور والد کا نام درج فرمائیے)
 اگر نام معلوم نہ ہو تو صِدِّقَ (قلبا) بَصِیْرَ (قلبا) پُر عین
 ایسی رجب یحییٰ لکھ کر کہتے ہیں وَاللّٰہِ اَشَدُّ کِبَالًا

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِاللَّهِ عَادَةً يَوْمَكُمْ
مُحْكَمَةٌ ۚ وَاللَّهُ يُدِيرُ الْكُلَّ وَالدَّهْرُ يُغْوِي سَرِيعٌ ۚ
رات کو پڑھیں اور حج کو سورۃ مزمل ۳ بار بعد نماز فجر پڑھیں۔
چند دنوں میں طلبِ حل ہوگا۔

برائے حب
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ۔ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَّا اللّٰهُ بَعْدَ کَا دے
محمدؐ توں ملا دے۔ کہہ کلیمہ توں آئے ہیا دے۔
سائیش خاص

اس درد کا پہلے دن ایک تیسرے دوسرے دن دو تیسرے دن تین چوتھوں کا
پانچویں دن پانچ چھٹے دن چھ ساتوں دن سات آٹھویں دن آٹھ نویں دن نو
اور دسویں دن دس پندرھویں دن۔ اس دوران مملوک کی شکل زمین
میں لکھیں انشاء اللہ مقصد حاصل ہو گا۔

۱۳۷
 پنج با شہ نشان ذات الجب
 گویم گر تو ہر شے داری
 سر نہ تب ظہیر پہلو
 تنگش نفس تب منشاوی

- ۱) کسان کا بار بار آگنا۔ کسان عام طور پر خشک ہوتی ہے۔ اور کبھی کبھی یسوار بلیغ جس میں بعض دفعہ خون کی دھاریاں ہوتی ہیں۔
- (۲) بخار عام طور پر ۱۵۳ یا ۱۵۴ سے اوپر ہوتا ہے۔
- (۳) اور کسی دہسو پر دایش یا بایش پہلو پر چھنے دالادور
- (۴) سانس کی رفتار بعض طور پر نہیں ہوتی بلکہ آگروا آگروا معلوم ہوتا ہے۔
- (۵) تبصہ آرس کی مانند چلتی ہے۔

برائے کشش حلوب

جل تے حلال تیرے حسن دی کمال - توں آئی بلانوں ڈال - سیر ادکھ دیے مال
 اس کے بعد درود شریف پڑھیں - چار تہے روزانہ پڑھیں حلوب و کشش ہوئی
 حوالہ: جبرائیل - یسکاسیک - اسرافیل - عزرائیل
 دھن دھن دھن دھن
 ہوئی ہوئی چڑھ چھلپا - تیری دھک چوبار سنیدی
 اورانہ ایک تہے پڑھیں

کالا جادو (جادو)

مطبوعہ انڈیا بنگال یونان مصر کا اول دوم

ترتیب: سید حسن الہاشمی (انڈیا) © قاری محمد عبدالرشید قاسمی

آج کل گندے علم، سفلی عمل، جادو ٹونے کی ناروا حرکتیں گل درگی اور خانہ دوزخا بکھری ہوئی ہیں۔ کچھ لوگ جادو ٹونے کر رہے ہیں، کچھ کرا رہے ہیں، کچھ لوگوں پر کیا جا رہا ہے۔ اس طرح بہت سے اللہ کے بندے جادو کی کارستانیوں سے پریشان ہیں اور کتنے آباد مکان ان سفلی اعمال کے چکر میں برباد ہو گئے ہیں۔ یہ نادر کتاب اپنی مصائب کی تلاقی کرتی ہے۔ جادو کیا ہے؟ اس سے بچنے کے کیا طریقے ہیں؟ ہر قسم کے طلسمات، جادو ٹونے کا توڑ اس کتاب میں پیش کئے گئے ہیں۔ اور ہر ملک کے جادو کی تفصیل اور عملی طریقے دیئے گئے ہیں جادو کے موضوع پر اتنی جامع اور مکمل کتاب پہلی دفعہ منظر عام پر آئی ہے۔

مشمولات: باب دوم جادو سحر آتارنے کے مو طریقے، سحر جادو کے اثرات، علم سحر و علم نجوم۔ حقیقت سحر اور قیس، تشریحات سورۃ النکس، سحر و آسیب کی تشخیص، طسانی علیات، مختلف ضروریات کامل، کاسے جادو کی سفلی نیز معلومات، ایران کی جادوگری، عربوں کا جادو، زندہ طلسمات عربوں کا کالاعلم، ایران کا کالاعلم، لوح سلیمانی، کالہی کاہنوں کا کالاعلم، مصر کا کالاعلم، بنگال کا کالاعلم، تشریحات سورۃ الفلق، سحر کیا ہے؟، حقانی سحر، ڈھانی ڈاک سوالا، جوابا، آپ بیتی، وحشی عاملوں کے چند خطرناک اعمال، چند روحانی تحفے، عمل ہمزاد، انسان اور شیطان کی کشمکش، حیرت ناک شعبے، تشخیص بذریعہ علم الاعداد، یہ جادو کس طرح کا ہے؟ بذریعہ طوی، سفلی، جناتی یا بذریعہ کالاعلم، آسیب، جنات کا علاج، چند نئے واقعات، ہر ضرورت اور کام کے

ایک خفیہ کتاب

فٹوٹیٹ
جلد اعلیٰ

کلید قرآن مجید زہدی

(کشتی خدا پہ چھوڑ دے لنگر کو توڑ دے)
باجازت سوامی
پرمانند اوگرگاٹ مسان بنارس

- قواعدِ عملیات • شرائطِ عملیات • اصولِ عملیات منطقی و علوی •
- ساعتِ نماز • تیارگان • بدلِ طلوع و غروب • مؤکلات کو بلانا • حاضرانِ سلیمان •
- حاضرانِ اسمِ یاسط • حاضرانِ جن بادشاہ • حاضرانِ ہنومان • حاضرانِ ناخون پیر •
- بیرونِ مؤکلات • سولہ منتر • پناہی دیوی کے تین منتر • منترِ مسان ناتھ • منتر •
- گنگا رام اوگرگاٹ • منتر گھور بھیرن • منتر سالگرام • منتر کال بھیرن • منتر شیخ سدا •
- منتر بابا شیشا نندا • منتر کالی دیوی • منتر قبضہ بھوت • منتر مسان • منتر بڑھیا ڈان •
- منتر سید سالار • عمل ہنزا • منتر ہلاکت دشمن • منتر حیدر • منتر گوپیر • منتر جوتا •
- منتر بیل بند • منتر موٹھ چالو • منتر کون جاری • منتر زبان بندی • منتر بن بند •
- منتر سید برہمنہ • منتر دوزی • منتر کالی • عمل دوزی • منتر دینند • منتر کیمیا • منتر کیمیا •
- منتر چاندی • منتر دھنوست یارگان • منتر موہنی • منتر لاسیر • منتر چوری • منتر دروہر •
- منتر دھنوسنی منتر • منتر منتر صابری • منتر سیلمان • منتر شیخ سدا • منتر ناہر سنگھ •
- منتر رگی • منتر برہم راکھش • منتر چوری • منتر عجیب • منتر عجیب ہر شکل • عمل منطقی جب • منتر دندی کے
- مات منطقی عمل • منتر عجیب عمل • عمل حُب • عمل خضاب • عمل حُب دیگر • دستِ عجیب • عمل ہر مات • منتر سدا •
- عمل استعارہ • عمل موہنی منتر • عمل بخار • عمل چھوڑنے کا منتر • منتر حُب • عمل حاجت • عمل ناامیدی •
- عمل حنٹ شکل • عمل دردِ دانت • دردِ تھنلا • خواب بندی • چوری سدا کا منتر • نقشِ خنٹ • عمل •
- عمل رگ دیوانہ • عمل محمدہ اشیا ورت • نقشِ امرا • لغات الاسمار • فارسی رسالہ وانیال •

فٹوٹیٹ کا پی مجلد

کارِ عملیات (اردو)

کامل
حصہ ۳

ایک غیر مطبوعہ قلمی کتاب کا عکس

مصنف کی ہدایت

یہ کتاب نہ کسی کو دکھلانا چاہیے اور نہ چھپانا
چاہیے..... نہ کسی کو دینا چاہیے کیونکہ
اس میں خاص چیزیں ہیں اور ضرورت ہماری پسری اولاد کی ہے۔
حصہ اول میں عملیات کے ابتدائی قاعدے ہیں۔
حصہ دوم میں ہر ضرورت اور ہر کام کے عمل ہیں۔
حصہ سوم میں جن پر ہی بھوت پریت کے قابو کرنے کے عمل ہیں
اور علم جبر کا قاعدہ بدو ح یکن کامل ہے۔